

بررسی تأثیر غرور و توانایی مدیریت بر تصمیمات تداوم فعالیت و گردش حسابرس در شرکت ها

محمد زارع بیدکی

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی امام جواد (ع)، یزد، ایران. (نویسنده مسئول).
mohammadzare.bid@gmail.com

دکتر زینب زحمتکش

استادیار گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی امام جواد (ع)، یزد، ایران.
zahmatkesh.z@gmail.com

دکتر سهیلا شهرستانی

استادیار گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی امام جواد (ع)، یزد، ایران.
s.shahrestany@yahoo.com

چکیده

هدف از انجام تحقیق حاضر بررسی تأثیر غرور و توانایی مدیریت بر تصمیمات تداوم فعالیت و گردش حسابرس در شرکت ها می باشد. این پژوهش از لحاظ هدف، جزء پژوهش های کاربردی می باشد و از نظر شیوه جمع آوری داده ها در گروه بندی پژوهش های پس رویدادی است که جهت آزمون فرضیه ها از شیوه همبستگی بین متغیرها و معادلات رگرسیون چند متغیره از طریق مدل لجستیک، استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق، کلیه شرکت های تولیدی پذیرفته شده در سازمان بورس اوراق بهادار تهران از ابتدای سال ۱۳۹۶ لغایت انتهای سال ۱۴۰۰ می باشد و نمونه مورد بررسی تحقیق، شامل ۱۰۸ شرکت که با استفاده از روش حذف سیستماتیک، انتخاب گردیده است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیران بر صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت تأثیر معنادار دارد و توانایی مدیریت بر صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت تأثیر معنادار دارد. همچنین توانایی مدیریت بر رابطه بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیران و صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت تأثیر معنادار ندارد، اما اعتماد به نفس بیش از حد مدیران بر چرخش حسابرس تأثیر معنادار دارد. از دیگر نتایج پژوهش آن است که توانایی مدیریت بر چرخش حسابرس تأثیر معنادار دارد و توانایی مدیریت بر رابطه بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیران و چرخش حسابرس تأثیر معنادار دارد.

واژگان کلیدی: اعتماد به نفس بیش از حد (غرور)، توانایی مدیریت، تصمیمات تداوم فعالیت، گردش حسابرس.

مقدمه

جدایی مدیران و مالکان سرمایه منجر به مشکلات نمایندگی خواهد شد که ناشی از تضاد منافع میان آنان است. وجود چنین تضاد منافی؛ باعث ایجاد هزینه نمایندگی شده که در نهایت به شرکت و ذینفعان آن منتقل می گردد. بنابراین هر دو گروه (مالکان و مدیران) برای کاهش تضاد منافع و هزینه نمایندگی علاقه به بهره جویی از سازوکارهای نظارتی، مثل خدمات حسابرسی دارند. درحقیقت حسابرسی از با ارزش ترین ابزارهای حصول اطمینان؛ جهت شفافیت اطلاعات مالی شرکت ها می باشد که می تواند مهر اعتبار و تأیید برای اطلاعات در دسترس کاربران آن باشد و با افزایش پیشرفت کیفیت حسابرسی، کیفیت اطلاعات شرکت نیز افزایش خواهد یافت. در حقیقت اطلاعات حسابرسی شده منتهی به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین استفاده کنندگان شرکت و مدیران خواهد شد، تا به این طریق استفاده کنندگان شرکت از گزارش های

منتشر شده، توانایی محاسبه و پیش‌بینی عملکرد شرکت‌ها را برای خود، داشته باشند. به همین دلیل شرکت‌ها موسسه‌های حسابرسی را انتخاب می‌کنند تا بهترین خدمات خود را برای آن‌ها ارائه دهند. همچنین ساختار هیأت‌مدیره شرکت‌ها از جمله عواملی است که در استفاده حسابرسان باکیفیت توسط شرکت‌ها موثر خواهد بود و به‌عنوان یکی از سازوکارهای نظام راهبری شرکتی می‌باشد. هیأت‌مدیره اصولاً به‌عنوان بالاترین رکن تصمیم‌گیری در یک شرکت احراز می‌شود و مسئول نگهداری از منافع ذینفعان متفاوت از روش انتشار اطلاعات، با قصد کاهش مشکلات مرتبط به عدم تقارن-اطلاعاتی و پیشگیری از رفتارهای فرصت‌طلبانه، در یک شرکت است و در گرفتن سیاست‌های عملیاتی مثل استفاده حسابرسان باکیفیت نقش بسزایی اجرا می‌کند (امری اسرمی، ۱۴۰۱).

در حقیقت جدایی مدیران و مالکان، منتج به مشکلات نمایندگی خواهد شد که نتیجه تضاد منافع بین آنان است. وجود چنین تضاد منافی؛ باعث ایجاد هزینه نمایندگی شده که در آخر به شرکت و ذینفعان آن منتقل می‌گردد. بنابراین هر دو گروه (مالکان و مدیران) برای کم شدن تضاد منافع و هزینه نمایندگی علاقه به استفاده از سازوکارهای نظارتی، مثل خدمات حسابرسی دارند. در واقع حسابرسی از حساس‌ترین ابزارهای حصول اطمینان؛ جهت شفافیت اطلاعات مالی شرکت‌ها می‌باشد که می‌تواند مهر اعتبار و تأیید و اعتماد برای اطلاعات در دسترس کاربران آن باشد و با افزایش ارتقای کیفیت حسابرسی، کیفیت اطلاعات شرکت نیز ارتقا خواهد یافت، در این میان، یکی از خصوصیات شخصیتی که در بین بعضی از مدیران بروز می‌کند، مسأله خودشیفتگی است. مدیران خودشیفته، در واقع افرادی می‌باشند که موفقیت شرکت را مدیون بلندهمتی‌ها و تلاش‌های شخصی خود می‌دانند و مشارکت و نقش کارمندان را در کسب اهداف سازمان را نادیده گرفته و بدان بی‌توجه می‌باشند. لذا در چنین شرکت‌ها با این نوع از ویژگی مدیران، نوعی دل‌سردی و سرخوردگی در میان کارکنان آن ایجاد خواهد شد. علاوه بر این، آگاهی مدیران از ارزیابی توانایی‌های خود، باعث بروز رفتاری برای بهتر نشان دادن عملکردشان می‌شود. بنابراین در این تحقیق، به بررسی تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد و توانایی مدیریت بر تصمیمات تداوم فعالیت و چرخش حسابرس در شرکت‌ها پرداخته شده است.

بیان مسأله

دنایای امروز، دنایای سازمان‌هاست و مدیران قلب هر سازمان، می‌باشد. با وجود امکانات، تکنولوژی و نیروی کار مطلوب؛ عملکرد ضعیف مدیران در هر شرکتی باعث شکست آن شرکت در رسیدن به اهدافش می‌گردد. حرکات مدیران که نتیجه خصایص شخصیتی آن‌ها است، در سیر دگرگونی، پویایی و توفیق سازمان شکل بسیار مهمی را ایفا می‌کند و از آنجا که شخصیت، گیرایی و میزان کنترل مدیران رده برتر بر نتایج شرکت‌ها اثرگذار است، در این بین، یکی از خصلت‌های شخصیتی که در میان بعضی از مدیران ایجاد می‌شود، مسأله خودشیفتگی است. مدیران خودشیفته، افرادی می‌باشند که موفقیت شرکت را نتیجه تلاش‌های شخصی خود می‌دانند و از همکاری و نقش کلیدی کارمندان در کسب اهداف سازمان، به راحتی صرف نظر می‌کنند و این امر باعث ایجاد تنش و دل‌سردی میان کارکنان شرکت‌ها می‌شود. عدم توانایی دیگر مدیران و کارکنان، فرصت سوءاستفاده از دیگران و رفتارهای غیراخلاقی، عدم اعتنا به واقعیات بیرونی، تهدیدات محیطی سازمان، تخریب اعتماد و روابط انسانی از جمله آثار منفی خودشیفتگی هستند. مدیران خودشیفته به دنبال آن هستند که ضعف‌های خود را مخفی کنند و با انتقادات نیز به شدت برخورد و تا می‌توانند مقابله می‌کنند. این ویژگی آن‌ها منجر می‌شود، تا ابتکار، خلاقیت و نوآوری در سازمان‌ها کاهش و حتی از بین برود. از طرفی مدیران خودشیفته در مؤسسه‌ها پاداش‌های زیادی برای خود در نظر دارند و به اندازه زیادی، بیش از هم‌تایان خود کسب درآمد دارند. مدیران خودشیفته قادر به درک واقعیات و پدیده‌ها آن‌طور که باید باشد، نمی‌باشند و به همین خاطر نمی‌توانند برای آینده سازمان انگیزه و برنامه ویژه‌ای داشته باشند؛ پس نوعی سردرگمی با وجود این‌گونه مدیران، در اهداف سازمان

آشکار می‌گردد. مجموعه این مشکلات به وجود آمده، ناشی از مدیریت فرد خودشیفته بر شرکت، منجر به افت عملکردی سازمان می‌گردد. از آنجایی که افت عملکرد سازمان با خصوصیات روانی مدیران خودشیفته در تضاد است، آن مدیران برای پنهان کردن واقعیات شرکت به گزارشات غیر واقع‌بینانه روی می‌آورند. از طرفی مدیران خودشیفته احتمال می‌رود که دچار اعتماد به نفس کاذب شوند و اثر سایه‌ای ویژگی بیش‌اطمینانی را نیز داشته باشند. بیش‌اطمینانی پدیده‌ای است که حتی در مردمان عادی نیز وجود دارد؛ اما این پدیده بیشتر به مدیران مرتبط می‌شود، زیرا مدیران در برابر سودها و جریان‌های نقدی واحد تجاری خود خوش‌بین هستند و دورنمای مثبتی از ریسک و بازده آینده‌ی واحد تجاری دارند. مدیران احتمال و اثر رخداد های دلخواه را بر جریان‌های نقدی شرکت بیش از حقیقت، پیش‌بینی می‌کنند و احتمال و تأثیر رخدادهای منفی را کمتر از حقیقت محاسبه می‌کنند. بیش‌اطمینانی در مدیران، احتمال به‌کارگیری رویکردهای محافظه‌کارانه را کاهش می‌دهد و در نتیجه به دلیل نگرش خوش‌بینانه مدیران احتمال اشتباه در گزارش سود حسابداری از طریق مدیریت سود واقعی وجود دارد. در صورتی که شخص اعتقادات و کارهای خود را با دلایل وابسته تأیید کند و به صورت صحیح و با منطق عمل کند، وی منطقی محسوب می‌شود. در صورتی که انسان، احساسات شخصی و ارزش‌های اخلاقی را در رأی خود گرفتار کند، معقول بودن شخص مورد شک قرار می‌گیرد و اصطلاحاً، شکل غیرمعقول به خود می‌گیرد. در نتیجه، معقول بودن، همان گزینه درست است. یکی از این روش‌های غیرمعقول، اطمینان بیش از حد است. مدیران بیش‌اطمینان خود را از آنچه که در حقیقت هستند، باهوش‌تر تلقی می‌کنند و بر این اعتقاد هستند که اطلاعات مهمتری در دست دارند. مثلاً، موقع تصمیم‌گیری جهت سرمایه‌گذاری در شرکتی خاص، بیشتر انتظار زیان را نادیده می‌گیرند و اگر شرکت عملکرد ضعیفی داشته باشد، احساس شگفتی یا نارضایتی می‌کنند. یکی از ریشه‌های ظهور بیش‌اطمینانی و درست‌نشدن آن در بازده یادگیری، پدیده فرافکنی است. در حقیقت افراد پس از امتحان شکست‌ها، عامل آن را به دیگران ارتباط می‌دهند تا همچنان با اعتماد به نفس بتواند همواره راه خود را ادامه دهد که همین امر به بیش‌اطمینانی (اعتمادی) بیشتر دامن می‌زند. انگیزه وجودی بیش‌اطمینانی آسایشی است که افراد از آن حاصل می‌کنند. تا آنجا که پدیده فرافکنی، نیز این است که فرد خود را برائت می‌کند تا از عذاب وجدان یا احساس زیان به دلایل درونی رها شود. به همان سان، افراد کامروایی را به خود نسبت می‌دهند که این خواسته، اعتماد به نفس بیش از حد را افزایش می‌دهد. همچنین افراد به دنبال تأیید خود به دیگران نیز هستند تا ستایش آن‌ها را نسبت به خود جلب کنند؛ از این رو، گاهی در مورد پیروزی‌های قبلی خود در صحبت با دیگران گزافه‌گویی می‌کنند و این خود از نظر درونی بر آن‌ها تأثیر گذاشته، موجب تشدید پدیده بیش‌اطمینانی می‌شود؛ به بیان دیگر، در بیان افراط‌آمیز کامروایی‌ها، خود فرد بیش از دیگران، تحت تأثیر سخنان خودش قرار می‌گیرد. اعتماد به نفس بیش از حد می‌تواند منتج به بالا رفتن ریسک‌پذیری شود؛ از این جهت، مدیران معقول به نسبت مدیران دارای اعتماد به نفس از حد که توانایی ریسک پایین تری دارند، بیشتر در فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکت که به عنوان مانعی در برابر ریسک‌های نهفته آینده شرکتشان عمل می‌نماید، گرفتار خواهند شد (شمس‌الدینی و همکاران، ۱۴۰۱). همچنین معلومات حسابداری مدیریت، اکثر اوقات به دنبال دو هدف اصلی آسان‌سازی در تصمیم‌گیری و اثرگذاری بر آن را ایمن می‌کند و تصمیم‌گیرندگان را در برگزیدن بهترین نتیجه از میان نتیجه‌ها با ارائه اطلاعات مفید، یاری می‌دهد. یکی از سرمایه‌های انسانی که نقش زیادی در تبدیل منابع شرکت به درآمد و نیز ایجاد شایستگی برای سهامداران دارد؛ مدیران شرکت‌های تجاری هستند؛ از طرفی خصوصیات مدیران شرکت‌ها، می‌تواند بر فرآیند تصمیم‌گیری آن‌ها، در رابطه با شرکت پرفروغ باشد و تصمیم‌گیری‌های مدیریتی می‌تواند نقش بسزایی بر عملکرد شرکت داشته باشد. از جمله ویژگی‌های مهم مدیران در ایران؛ بیش‌اطمینانی و توانایی مدیریت می‌باشد. یکی از خطاهای رفتاری که افراد به آن دچار هستند، اعتماد به نفس بیش از حد است. بیش‌اطمینانی، منجر می‌شود که انسان علم و هنر خود را بیش از حد و ریسک را کمتر از حد حدس بزند، این خطای رفتاری نیز انگیزه

می‌شود که احساس کنیم، روی پرسش‌ها کنترل داریم؛ در حالی که ممکن است در واقعیت این‌گونه نباشد، نکته قابل نگرش این است که هرچه علم و هنر فرد در حوزه‌ای بیشتر باشد؛ اعتماد فرد به مهارت خود نیز بیشتر خواهد شد. از آن-جایی که مدیران، دم به دم نقش مهم و حساسی در سازمان‌ها ایفا می‌کنند و اثر مدیران برجسته در کسب درآمد، منفعت و موفقیت‌های سازمانی، امروزه به خوبی در بسیاری از سازمان‌های کامیاب، مشخص و آشکار است.

در ادبیات مالی نیز توانایی مدیران، یکی از ابعاد سرمایه انسانی شرکت‌ها است که به‌عنوان دارایی نامشهود گروه بندی می‌شود؛ به بیان دیگر اطلاعات مربوط به استعداد مدیران از جمله توانایی آن‌ها در بکارگیری از فرصت‌های سرمایه-گذاری، تأمین منابع، تخصیص بهینه منابع و مهارت و آزمایش کردن آن‌ها یکی از ابعاد بااهمیت و معتبر دارایی‌های نامشهود شرکت‌های تجاری قلمداد می‌شود. توانایی مدیریتی بالاتر می‌تواند باعث مدیریت فعال عملیات روزانه شرکت شود. استانداردهای حسابرسی ملزم می‌کند که حسابرسان هنگام ارزیابی ریسک حسابرسی؛ توجه مدیریت را در نظر بگیرند. سنجش درست از مدیریت خیلی گرانمایه و معتبر است؛ چون دیدگاه‌های مدیریت می‌تواند از شیوه شکل‌دادن فرهنگ اخلاقی و اجتماعی شرکت بر ریسک حسابرسی آن تأثیرگذار باشد. از آن جایی که مدیریت یکی از سرچشمه-های اطلاعاتی با اهمیت، برای حسابرسان است؛ از این رو حسابرسان موقع ارزیابی امکان آسودگی شواهد حسابرسی عرضه شده توسط مدیریت، لیاقت مدیران را لحاظ می‌کنند. در حقیقت هدف حسابرس، بازنمایی قابلیت اطمینان شواهد حسابرسی است که به‌عنوان تکیه گاهی برای اظهارنظر حسابرس استفاده گردد. از جمله مواردی که حسابرس در رابطه با آن بحث می‌کند و تضمین این اظهارنظر هم شواهد حسابرسی درست می‌باشد، اظهارنظر مبنی بر تداوم فعالیت شرکت است. در واقع، برای انجام کارهای حسابداری یکی از اصلی‌ترین مفروضات این است که، واحد تجاری تا آینده‌ای نامحدود به هستی خود ادامه خواهد داد و بسیاری از تعهداتی که شرکت می‌پذیرد بر پایه این فرض اساسی قرار دارد. در استاندارد حسابرسی ایران، بخش ۵۷۰، با عنوان "تداوم فعالیت" در ارتباط با شیوه برخورد حسابرسان با مسئله ابهام در تداوم فعالیت شرکت صاحبکار؛ این گونه آمده است: حسابرس در جریان برنامه‌ریزی و اجرای روش‌های حسابرسی و بررسی نتایج حاصل از آن، باید شایسته بودن استفاده مدیریت را از فرض تداوم فعالیت در تهیه صورت‌های مالی رسیدگی کند (علیمرادی و عبدی، ۱۳۹۹).

همچنین پس از بدنامی‌های جدید مالی و ورشکستگی و کشف تقلب در برخی از شرکت‌های موردتوجه دنیا، توجه زیادی متمایل به مسائل حسابرسی، از جمله آزادی حسابرسان شده است که این موضوع باعث پذیرش قانون ساربنز-اکسلی در سال ۲۰۰۲ گردید. این قانون، به جای تمرکز بر جزئیات گزارشگری، بر حاکمیت شرکتی، حسابرسی و بیانیه‌های مربوط به کنترل‌های داخلی تمرکز داشته است. پس از روسیاهی مالی این شرکت‌ها، حفظ یکپارچگی حسابرسان و چرخش مؤسسات حسابرسی، قوانین بیشتر در مورد آزادی و مسئولیت‌های بازرسی بر هیأت مدیره شرکت به‌ویژه برای اعضای کمیته حسابرسی، افزایش تعداد افشاء در مورد معاملات خارج از ترازنامه و تعهدات قراردادی، افزایش گونه‌های اقلام افشاء در فرم مخصوصی بنام k-8 و کوتاه شدن مدت تهیه آن، بیش از پیش در انجمن‌های بین‌المللی مورد بحث بوده است. از سویی دیگر، گزارش‌های مالی تهیه شده توسط سیستم حسابداری، با ارائه گزارش حسابرسی اعتبار و بهای خاصی به خود می‌گیرد؛ پس لازم هست، حسابرسان دائماً در حفظ استقلال خود تلاش کنند تا استفاده‌کنندگان اطلاعات با دلگرمی بیشتری از این گزارش‌ها در تصمیم‌گیری‌های خود استفاده بنمایند. مدیران، در هر شرکتی مسئول تهیه صورت‌های مالی می‌باشند و افراد مستقلی بنام حسابرسان که از علم و گرایش و مهارت‌های حرفه‌ای برخوردار هستند به شیوه ارائه این گزارش‌ها با اظهارنظر خود اعتماد می‌بخشند، در این بین، بر مدیریت واجب می‌باشد؛ بنا به دلایلی مانند افزایش پاداش، دستکاری و مدیریت سود در شرکت عمل نماید یا محدودیت در رسیدگی حسابرس را ایجاد کند، و یا به صورتی موقع استفاده از استانداردهای حسابداری منحرف شود. با توجه به این‌که، در سابقه حسابرسی، ترازوی قدرت تقریباً

همواره به سوی صاحبکاران می باشد. در صورت وجود کشمکش و جدال بین حسابرس و صاحبکار، مدیریت واجب است از راه ترساندن به خاتمه کار با حسابرس، شخص را وادار به قبول روش های حسابداری نماید. در حالی که مدیریت در انجام این کار پیروز نشود، با انجام قدرت خود، ممکن است حسابرس را حتی برکنار کرده و حسابرس مقاوم پذیرتری را بررسی و با آنان همکاری کند (جمشیدی نوید، ۱۳۹۸). به طوری که یک مؤسسه حسابرسی مستقل و با مهارت، قادر به شناخت ارائه نادرست اقلام صورت های مالی مورد رسیدگی است و می تواند نسبت به ارائه صحیح آن بر صاحبکار خود تأثیر گذار باشد تا در نتیجه آن، اطلاعات مالی قابل اتکا و اطمینانی گزارش شود. رسیدن به این هدف مطلوب، به ویژگی های مؤسسه های حسابرسی وابسته است و این خصوصیات می تواند به شکل مثبت یا منفی با مسأله کیفیت حسابرسی در ارتباط باشد (تیتمان^۱ و همکاران، ۱۹۸۶). حسابرسی با کیفیت تر، صحت اطلاعات ارائه شده را بهبود می بخشد و به سرمایه گذاران اجازه می دهد تا پیش بینی بسیار دقیق تری از ارزش شرکت ها به دست آورند (چامبرز^۲ و همکاران، ۲۰۰۸).

همچنین باتوجه به این موضوع که توانایی مدیریت باعث کاهش ریسک عملکرد ضعیف و همچنین ریسک ورشکستگی شرکت می شود، امید می رود بالاتر بودن توانایی مدیریت به کم شدن ریسک تداوم فعالیت شرکت ها نیز منتهی بشود، و چون توانایی مدیریت با عملکرد جاری و آینده شرکت ها در ارتباط است و بررسی تأثیر خودشیفتگی و اعتماد به نفس بیش از حد بر سطح خط مشی های شرکت، نظیر قوانین و روش های حسابداری شرکت، موضوع بسیار حساسی است؛ به این دلیل که خودشیفتگی می تواند باعث تصمیماتی بشود که ارزش شرکت را خدشه دار کند و تداوم فعالیت شرکت ها را حتی با خطر ورشکستگی روبه رو کند؛ لذا در این تحقیق، به بررسی این موضوع پرداخته شده است که به چه طریقی اعتماد به نفس بیش از حد و توانایی مدیران بر تصمیمات حسابرس برای صدور اظهارنظر تداوم فعالیت و چرخش حسابرس تأثیر می گذارد؟

ضرورت و اهمیت تحقیق

یکی از موضوعاتی که از مدت ها پیش مورد بحث بوده است، مسئولیت حسابرسان برای ارزیابی تداوم فعالیت شرکت ها است. به طوری که برابر فرض تداوم فعالیت، واحد مورد رسیدگی همواره واحدی تلقی می شود که برای آینده قابل پیش بینی به فعالیت خود ادامه خواهد داد. چونکه فرض تداوم فعالیت شاخه اصلی گزارشگری مالی در دنیای حسابداری می باشد، بنابراین حسب استانداردهای حسابرسی، حسابرسان مکلفند تا وضعیت تداوم فعالیت شرکت های تحت رسیدگی خود را با دقت فراوان ارزیابی کنند؛ بنابراین، فرض تداوم فعالیت، قرار نیست به عنوان مبنا و اساس تهیه صورت های مالی شرکت ها لحاظ گردد، بلکه مشابه یک فرضیه است که باید به منزله بخشی از فرآیند حسابرسی با شواهد مناسب تأیید شود. علت اصلی اجبار حرفه حسابرسی برای محاسبه فرض تداوم فعالیت، ارائه اعلان زود هنگام به استفاده کنندگان صورت های مالی درباره مشکلات احتمالی مالی به ویژه در شرکت های درمانده مالی است و بایستی بدان توجه ویژه ای گردد. مدیران شرکت ها با اثرگذاری مستقیمی که بر روی سیاست ها و استراتژی های شرکت های تحت کنترل و اداره خود دارند، نقش کلیدی و حیاتی در اعتبار بخشی و کیفیت اطلاعات ارائه شده در گزارش های مالی را ایفا خواهند کرد، چنانچه عملکرد ضعیفی از خود نشان دهند، این احتمال وجود دارد که تداوم فعالیت شرکت را با ابهاماتی مواجه سازد که به دنبال آن نیز تعدیلات اظهار نظر حسابرسان در قالب بند اظهارنظر را در پی خواهد داشت، در واقع یعنی اظهارنظر مقبول را تحت الشعاع قرار می دهد. مدیران دارای توانایی و کارایی بیشتر نسبت به هم نوعان خود، می توانند احتیاطات لازم را در

¹Titman

²Chambers

شرکت، لحاظ کنند و این ابهام در تداوم فعالیت را که می‌تواند موثر بر کیفیت حسابرسی باشد، کاهش دهند. همچنین بیش‌اعتمادی که خصیصه دیگر مدیران است، از جمله مواردی است که بر ارزش شرکت‌ها و تداوم فعالیت آن‌ها موثر بوده که با تصمیمات نادرست خود می‌تواند کیفیت حسابرسی را کاهش دهد.

همچنین چرخش (تغییر) حسابرس در شرکت‌ها؛ مسأله‌ای است که با موافقان و مخالفانی همراه بوده است. مدافعان این موضوع دلایلی را از قبیل: ایجاد نگاهی تازه به صورت‌های مالی نمایان شده از سوی صاحبکار؛ بالا رفتن استقلال حسابرس و یافتن تغییرهای موجود در صورت‌های مالی را در مقابله از چرخش اجباری حسابرسان مطرح می‌کنند و آن‌ها باور دارند، جایگزینی ادواری حسابرس سبب می‌شود تا منافع صاحبکار و حسابرس در یک سو نباشد و این اختلاف منافع به افزایش سطح حسابرسی کمک می‌نماید. از طرفی دیگر، تداوم انتخاب حسابرس، باعث اعتماد به نفس بیش از حد و نبود نوآفرینی و کمبود استفاده از روش‌های دقیق و موثق در بین حسابرسان خواهد شد. در مقابل دیدگاه مدافعان، مخالفین تغییر اجباری حسابرس اعتقاد دارند، حسابرسان با سپری شدن زمان؛ از فعالیت‌های صاحبکار شناخت بهتر و تجربه بیشتری به دست می‌آورند و نیروی آن‌ها در اظهارنظر نسبت به زبیده بودن یا نبودن عمل‌های حسابداری و گزارشگری افزایش می‌یابد. بنابراین، ارتباط زیاد حسابرس و صاحبکار، درجه حسابرسی را می‌تواند توسعه بخشد و چرخش حسابرس منتهی به کم شدن اعتماد سرمایه‌گذاران به پشتیبانی از صورت‌های مالی می‌شود و باعث تقلیل اعتبار حسابرسی می‌شود. از جانب دیگر، هزینه‌های حسابرسی، چه برای حسابرس و چه برای صاحبکار، افزایش می‌یابد (حاتمی و همکاران، ۱۴۰۱). از آن جایی که استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی با توجه به گزارش‌های ارائه شده از سوی شرکت‌ها که نشأت گرفته از وضعیت مالی، عملکرد و فعالیت‌های آن است، تصمیماتی را در مورد شرکت اتخاذ می‌کنند، لذا انجام پژوهشی که به بررسی "تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد و توانایی مدیران بر صدور تصمیمات تداوم فعالیت و چرخش حسابرس" بپردازد، ضروری به نظر می‌رسد.

اهداف تحقیق

- با توجه به مبانی نظری و پیشینه مطرح شده، اهداف پژوهش به شرح ذیل می‌باشد:
- ۱- بررسی تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیران بر صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت.
 - ۲- بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت.
 - ۳- بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر رابطه بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیران و صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت.
 - ۴- بررسی تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیران بر چرخش حسابرس.
 - ۵- بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر چرخش حسابرس.
 - ۶- بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر رابطه بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیران و چرخش حسابرس.

فرضیات تحقیق

- با توجه به مبانی نظری و پیشینه مطرح شده، فرضیات پژوهش به شرح ذیل می‌باشد:
- ۱- اعتماد به نفس بیش از حد مدیران بر صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت تأثیر معنادار دارد.
 - ۲- توانایی مدیریت بر صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت تأثیر معنادار دارد.
 - ۳- توانایی مدیریت بر رابطه بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیران و صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت تأثیر معنادار دارد.

۴- اعتماد به نفس بیش از حد مدیران بر چرخش حسابرس تأثیر معنادار دارد.

۵- توانایی مدیریت بر چرخش حسابرس تأثیر معنادار دارد.

۶- توانایی مدیریت بر رابطه بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیران و چرخش حسابرس تأثیر معنادار دارد.

سابقه تحقیق

مطالعات داخلی

تفتیان و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان تأثیر مدیریت سود واقعی بر اظهارنظر حسابرسی پیرامون تداوم فعالیت در شرکت های درمانده مالی به بررسی این موضوع پرداختند و به این نتیجه رسیدند که مدیریت سود واقعی از طریق دستکاری جریان های نقدی عملیاتی و هزینه های اختیاری تأثیر مثبت و معناداری بر احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی دارد؛ اما؛ شواهدی مبنی بر تأثیر معنادار مدیریت سود واقعی از طریق دستکاری هزینه های تولید بر احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی، یافت نشد.

داداشی و عتیقی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان توانایی مدیران و گزارشگری مالی متقلبانه؛ باتأکید بر نقش چرخش نزولی حسابرسان مستقل به بررسی این موضوع پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین توانایی مدیران و احتمال گزارشگری متقلبانه شرکت ها رابطه منفی معنادار وجود دارد. همچنین فرضیه پژوهش در رابطه با تضعیف رابطه بین توانایی و تقلب در شرکت ها با چرخش نزولی موسسات حسابرسی، تأیید نشد.

علیمردادی و عبدی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان تأثیر توانایی مدیریت بر رابطه بین بیش اطمینانی مدیران و صدور گزارش حسابرس حاوی بند تداوم فعالیت به بررسی این موضوع پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین بیش اطمینانی مدیران و صدور گزارش حسابرس حاوی بند تداوم فعالیت رابطه مثبت معنادار وجود دارد و حتی رابطه بین بیش اطمینانی مدیران و صدور گزارش حسابرس حاوی بند تداوم فعالیت در شرکت هایی با کمیته حسابرسی قوی، نسبت به شرکت هایی با مدیریت قوی، قوی تر است. همچنین یافته های پژوهش نشان داد که توانایی مدیران بر رابطه بین بیش اطمینانی و صدور گزارش حسابرس مبنی بر تداوم فعالیت اثر معناداری نداشته است.

هاشمی نیا و حیرانی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان تأثیر چرخش اجباری حسابرس و اندازه موسسه حسابرسی بر کیفیت حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به بررسی این موضوع پرداختند و به این نتیجه رسیدند که چرخش موسسه حسابرسی تأثیر مثبت و معناداری بر کیفیت حسابرسی دارد. به عبارت دیگر چرخش موسسه حسابرسی باعث بهبود کیفیت حسابرسی می شود و بین اندازه موسسه حسابرسی و کیفیت حسابرسی رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

رضایی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان رابطه توانایی مدیریت با اجزاء مدیریت ریسک یکپارچه به بررسی این موضوع پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که توانایی مدیریت بر مدیریت ریسک یکپارچه تأثیر مثبت معنادار دارد. اما تأثیر توانایی مدیریت بر اجزاء مدیریت ریسک، ریسک استراتژی، قوانین و مقررات، عملیاتی و گزارشگری به تنهایی تأثیر گذار نبوده و تنها بر مدیریت ریسک عملیاتی تأثیر مثبت معنادار وجود دارد.

خوشکار و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان تأثیر استقلال حسابرس بر رابطه بین چرخش موسسه حسابرسی و پایداری سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار به بررسی این موضوع پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین چرخش حسابرس در سطح موسسه حسابرسی و پایداری سود رابطه معناداری وجود ندارد؛ اما استقلال حسابرس بر رابطه بین چرخش حسابرس در سطح موسسه حسابرسی و پایداری سود تأثیر معنادار و مثبتی دارد.

جمشیدی نوید و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان بررسی ارتباط بین کارایی مدیریت و تغییر حسابرس با تأکید بر نقش عدم تقارن اطلاعاتی به بررسی این موضوع پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین کارایی مدیریت و تغییر حسابرس رابطه معناداری وجود ندارد. اما متغیر تعدیل کننده عدم تقارن اطلاعاتی، رابطه بین کارایی مدیریت و تغییر حسابرس را به صورت معنادار تعدیل نمود. نتایج نشان داد از بین متغیرهای کنترلی، ارتباط بین نوع اظهارنظر حسابرس و اندازه شرکت با تغییر حسابرسی معنی دار می باشد.

هداوند میرزائی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان رابطه خودشیفتگی مدیر عامل و حق الزحمه حسابرسی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران به بررسی این موضوع پرداختند و به این نتیجه رسیدند که خودشیفتگی مدیرعامل بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر گذار نیست و حسابرسان توجهی به اختلالات شخصیتی مدیرعامل نداشته و آن را در برآورد حق الزحمه حسابرسی مد نظر قرار نمی دهند.

گرد و ناصری (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان مطالعه ارتباط بین تردید حرفه ای حسابرس، چرخش حسابرس و کیفیت حسابرسی شرکت ها به بررسی این موضوع پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین متغیرهای تردید حرفه ای حسابرس و چرخش اختیاری حسابرس ارتباط مستقیم و معناداری با کیفیت حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار دارند، اما متغیر چرخش اجباری حسابرس ارتباط معناداری با کیفیت حسابرسی ندارد.

خواجوی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان بررسی نقش تعدیل کنندگی خودشیفتگی مدیران در تبیین رابطه بین مسئولیت پذیری اجتماعی و عملکرد مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به بررسی این موضوع پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین خودشیفتگی مدیران و مسئولیت پذیری اجتماعی و عملکرد مالی رابطه مثبت معناداری وجود دارد و خودشیفتگی مدیران رابطه بین مسئولیت پذیری اجتماعی و عملکرد مالی را افزایش می دهد.

سجادی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان تأثیر چرخش حسابرس در مؤسسه حسابرسی بر کیفیت حسابرسی به بررسی این موضوع پرداختند و به این نتیجه رسیدند که چرخش (تغییر) حسابرس در سطح شریک و مؤسسه حسابرسی با کیفیت حسابرسی رابطه معنادار معکوس دارد. در واقع، کیفیت خدمات حسابرسی مؤسسه های جدید در سال های ابتدایی پس از چرخش (تغییر) به دلیل عدم آشنایی کافی با فعالیت و صنعت صاحبکار کاهش یابد. اما این رابطه در سطح مؤسسه حسابرسی نسبت به سطح شریک حسابرسی معنادارتر است.

بدیعی و داودی کسبی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان تأثیر رابطه اعتماد به نفس بیش از حد مدیران و معیارهای ارزیابی عملکرد و ریسک مالی به بررسی این موضوع پرداختند. نتایج پژوهش بیانگر عدم وجود رابطه معنادار بین بیش اطمینانی مدیر و معیارهای ارزیابی عملکرد مالی می باشد. اما بین بیش اطمینانی مدیر و ریسک مالی رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد و این رابطه در شرکت های درمانده مالی شدید تر می باشد.

ابراهیمی و احمدی مقدم (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر بیش اطمینانی مدیران بر مدیریت سود واقعی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به بررسی این موضوع پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین بیش اطمینانی مدیریت و معیارهای مدیریت سود واقعی ارتباطی مثبت و معنادار برقرار است.

بزرگ اصل و صالح زاده (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان تأثیر رابطه توانایی مدیریت و پایداری سود با تأکید بر اجزای تعهدی و جریان های نقدی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به بررسی این موضوع پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین توانایی مدیریت و پایداری سود رابطه معنادار مثبت وجود دارد. همچنین، بین توانایی مدیریت و پایداری اجزای تعهدی و نقدی سود رابطه معنادار مثبت وجود دارد. در عین حال، رابطه بین توانایی مدیریت و پایداری بخش تعهدی نسبت به بخش نقدی قوی تر است.

عباس‌زاده و رستگارمقدم (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان تأثیر اعتماد بیش از حد مدیریتی بر سیاست تقسیم سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به بررسی این موضوع پرداختند. پرداختند و به این نتیجه رسیدند که مقوله اعتماد بیش از حد مدیریتی بر سیاست تقسیم سود شرکت‌های بورسی تأثیر مستقیم دارد، ولی با افزایش فرصت‌های سرمایه‌گذاری، تأثیر اعتماد بیش از حد مدیریتی بر سیاست تقسیم سود، معکوس می‌شود.

حساس‌یگانه و جعفری (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان تأثیر چرخش موسسات حسابرسی بر کیفیت گزارش حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به بررسی این موضوع پرداختند و نتایج پژوهش حاکی از آن است که چرخش موسسات حسابرسی باعث افزایش کیفیت حسابرسی نمی‌شود.

مطالعات خارجی

کیم^۱ (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد و توانایی مدیران بر تصمیمات ابهام تداوم فعالیت و چرخش حسابرسی به بررسی این موضوع پرداخت و به این نتیجه رسید که احتمالاً حسابرسان، وقتی اقدام به صدور بند ابهام تداوم فعالیت می‌کنند که صاحبکاران آن‌ها دارای اعتماد به نفس بیش از حد باشند. همچنین نتایج دیگر پژوهش نشان داد که حسابرسان پس از صدور اظهار نظر در مورد بند تداوم فعالیت هنگامی که مشتری شرکت بیش اعتماد باشد، احتمال بیشتری دارد که اخراج شوند و چرخش داشته باشند. نهایتاً، رابطه بین اعتماد بیش از حد مدیریتی و اخراج حسابرسی پس از صدور نظر ابهام تداوم فعالیت زمانی قوی‌تر است که مدیریت شرکت نسبتاً قدرتمندتر از کمیته حسابرسی شرکت باشد.

اردانی^۲ و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان نقش میانجی استقلال حسابرسی بر رابطه میان چرخش حسابرسی و کیفیت حسابرسی به بررسی این موضوع پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که چرخش حسابرسی تأثیر مستقیم بر کیفیت حسابرسی ندارد و این تحقیق همچنین قادر به ارائه شواهد تجربی از نقش حسابرسی استقلال حسابرسی به عنوان یک متغیر مداخله‌گر نیست. با این وجود، تحقیقات ثابت می‌کند که استقلال حسابرسی تأثیر مثبتی بر کیفیت حسابرسی دارد.

سیلوستر^۳ و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان چرخش حسابرسی و کیفیت سود: تحلیلی با استفاده از ارقام تعهدی اختیاری به بررسی این موضوع پرداختند و به این نتیجه رسیدند که تغییر شرکت حسابرسی، حجم ارقام تعهدی اختیاری را کاهش می‌دهد و در ادامه کیفیت سود را افزایش می‌دهد. اما، زمانی که ارقام تعهدی اختیاری از دید و منظر خطاهای برآورد حسابداری اندازه‌گیری می‌شود، اثر چرخش (تغییر) شرکت حسابرسی بر کیفیت سود معنادار نیست. همچنین نتایج نشان می‌دهد شرکت‌هایی که داوطلبانه مؤسسات حسابرسی را تغییر می‌دهند، ارقام تعهدی اختیاری بیشتر و در نتیجه کیفیت سود کمتری دارند.

بری استولز^۴ و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان بیش اطمینانی مدیران و مدیریت سود به بررسی این موضوع پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بیش اطمینانی مدیران اجرایی به‌طور قابل توجهی با ذخایر نسبتاً کم هزینه‌ها رابطه دارد و منجر به درآمدهای گزارش شده نسبتاً بالا می‌شود. این نتایج با پیش‌بینی‌های نظری مطابقت دارد و نشان می‌دهد که مدیران با اطمینان بیش از حد، بازده پروژه‌های سرمایه‌گذاری خود را بیش از حد ارزیابی کرده و زیان‌ها را دست کم می‌گیرند.

¹ Kim

² Ardhani

³ Silvestre

⁴ Berry-Stolzle

ژانگ^۱ و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان تأثیر ریسک برون‌سپاری پروژه‌های شرکت بر توانایی علمی مدیریت به بررسی این موضوع پرداختند و به این نتیجه رسیدند که سیستم فنی مدیریت و سیستم اجتماعی بر رضایت پروژه تأثیر می‌گذارد. اما، سطوح فرهنگی، تکنولوژی و ساختارهای توانایی علمی مدیریت، میزان حداقلی خطرات منفی موجود در سیستم اجتماعی، سیستم فنی و مدیریت پروژه را کاهش می‌دهد. همچنین بر انواع ریسک‌ها و قابلیت‌های علمی مدیریتی در دستیابی به مدیریت ریسک موثرند.

یاتا او و یان^۲ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان تأثیر ماهیت ساختاری رابطه بین توانایی مدیریت و حق‌الزحمه حسابرس به بررسی این موضوع پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که بین توانایی مدیریت و حق‌الزحمه خدمات حسابرسی احتمالاً برای مشتریانی که ابهام درباره تداوم فعالیت آن‌ها رابطه منفی وجود دارد یا در دوره پس از یک بحران مالی فعالیت می‌کنند، ضعیف‌تر است. همچنین هر چه دوره تصدی حسابرسی طولانی‌تر باشد، بین توانایی مدیریت و حق‌الزحمه حسابرسی رابطه منفی قوی‌تر نمایان‌تر است. بین توانایی مدیریت و حق‌الزحمه حسابرسی نیز، بعد از تصویب قانون ساربینز-اکسلی نسبت به قبل از آن رابطه منفی قوی‌تر حادث می‌گردد.

جی و لی^۳ (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان تأثیر بیش‌اعتمادی مدیریت و اظهارنظر اصلاح شده تداوم فعالیت به بررسی این موضوع پرداختند. پرداختند و به این نتیجه رسیدند که احتمال صدور نظر حسابرسی اصلاح‌شده برای اولین بار؛ با اعتماد بیش از حد مدیریت رابطه مثبت معنادار دارد و این موضوع نشان می‌دهد که حسابرسان برای مدیران دارای اعتماد به نفس بیش از حد در شرکت‌هایی که از لحاظ مالی دچار مشکلند؛ ارزش منفی قائل هستند و تمایل دارند؛ برای اولین بار یک نظر حسابرسی تعدیل‌شده برای آن‌ها صادر کنند.

روش و مدل تحقیق

پژوهش از جهت هدف، جز تحقیقات کاربردی است و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها در گروه‌بندی پژوهش‌های پس-رویدادی است که آزمون فرضیات آن با استفاده از روش رگرسیون چندمتغیره (لجستیک) و مدل‌های اقتصادسنجی انجام شد. جامعه آماری این تحقیق، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی مدت ۵ ساله (۱۳۹۶-۱۴۰۰) خواهد بود و سپس نمونه انتخابی پژوهش؛ پس از لحاظ یکسری محدودیت‌ها انتخاب می‌گردد. داده‌های پژوهش حاضر از سایت اینترنتی بورس اوراق بهادار تهران و دیگر سایت‌های مرتبط و نیز از نرم‌افزارهای ره‌آوردنویین و کدال استخراج می‌گردد. تجزیه و تحلیل نهایی داده‌های جمع‌آوری شده هم، با استفاده از نرم‌افزار Eviews انجام خواهد گرفت و روش نمونه‌گیری از این جامعه با در نظر گرفتن ضابطه‌های زیر به طریق حذف سیستماتیک انجام شده است:

۱- اطلاعات کامل و گسترده صورت‌های مالی سالانه هر یک از شرکت‌ها، در تابلو بورس تهران در مدت ۵ ساله مورد بررسی (۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰) موجود باشد.

۲- شرکت‌های مورد بررسی، تا پایان سال ۱۴۰۰ همچنان عضو بورس باشند.

۳- شرکت‌هایی که طی یکی از سال‌های مورد بررسی، معامله‌ای روی آن‌ها صورت نگرفته باشد، از جامعه آماری حذف شده‌اند.

۴- جزو شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری‌های مالی، (از قبیل بانک‌ها، لیزینگ و...) نباشند.

متغیرها و مدل‌های پژوهش

¹ Zhang

² Yutao&Yan

³ Ji & Lee

در این پژوهش با استفاده از مدل‌های رگرسیون لجستیکی زیر؛ به پیروی از پژوهش کیم^۱ (۲۰۲۱ و ۲۰۱۶)، برای سنجش فرضیه‌های ۱ تا ۳ از مدل (۱) و برای سنجش فرضیه‌های ۴ تا ۶ از مدل (۲) به شرح ذیل استفاده خواهد شد:

مدل (۱):

$$\text{Pr}(\text{GC}_{i,t}) = F(\beta_0 + \beta_1 \text{OVER}_{i,t} + \beta_2 \text{HI ABILITY}_{i,t} + \beta_3 \text{OVER} * \text{HI ABILITY}_{i,t} + \text{CONTROLS}_{i,t} + \varepsilon)$$

مدل (۲):

$$\text{Pr}(\text{TERMINATED}_{i,t}) = F(\beta_0 + \beta_1 \text{OVER}_{i,t} + \beta_2 \text{HI ABILITY}_{i,t} + \beta_3 \text{OVER} * \text{HI ABILITY}_{i,t} + \text{CONTROLS}_{i,t} + \varepsilon)$$

متغیرهای کنترلی، در مدل‌های مورد استفاده در این پژوهش:

$\text{SIZE}_{i,t}$ (اندازه شرکت): لگاریتم طبیعی همه دارایی‌های شرکت i در سال t می‌باشد.

$\text{LEV}_{i,t}$ (اهرم مالی شرکت): نسبت همه بدهی‌ها به کل ارزش دفتری دارایی شرکت i در سال t می‌باشد.

$\text{PY-LOSS}_{i,t}$: اگر شرکت در سال قبل درآمد منفی داشته باشد عدد یک؛ در غیر این صورت عدد صفر می‌گیرد.

$\text{BIGN}_{i,t}$: اگر شرکت توسط یک موسسه حسابرسی بزرگ؛ حسابرسی گردد؛ عدد یک و در غیر این صورت، عدد صفر لحاظ می‌شود.

$\text{Z SCORE}_{i,t}$: این متغیر بیانگر شاخص ورشکستگی (Z آلمن) می‌باشد.

به طوری که تعاریف عملیاتی متغیرهای مدل‌های پژوهش به شرح ذیل می‌باشد:

اعتماد به نفس بیش از حد (Overconfidence) یا غرور مدیران

اطمینان بیش از حد نوعی ویژگی شخصیتی به شمار می‌آید که می‌تواند در قالب شخصیت رفتاری و داشتن ایمان غیرحقیقی (مثبت)؛ در ارتباط با هریک از دیدگاه‌های یک رخداد در شرایط عدم اطمینان؛ تعریف می‌شود. بدین گونه در تخمین میانگین بیش گو خواهد شد. در حقیقت مدیران شرکت‌ها به خاطر خوش‌بینی بیش از حد؛ امکان دارد که جریان نقدی حاصل از پروژه‌ها را بیشتر از میزان ارزش واقعی شان؛ ارزش‌گذاری کنند. بعلاوه آن‌ها معتقد هستند که بازار؛ شرکت آن‌ها را کمتر از حقیقت ارزش‌گذاری می‌کند و باعث تأمین مالی پر هزینه می‌شود، از همین سو؛ اگر شرکت دارای منابع داخلی باشد؛ ممکن است مدیرانی با اعتماد به نفس بیش از حد، خواست بیشتری به سرمایه‌گذاری از خود نشان دهند؛ اما در صورتی که تأمین مالی پروژه‌های شرکت؛ نیازمند منابع خارجی باشد؛ ممکن است سرمایه‌گذاری کمتر صورت گیرد (علی‌مردی و عبدی، ۱۳۹۹). معیار اندازه‌گیری بیش‌اطمینانی از راه مغایرت سود پیش‌بینی شده سالانه توسط مدیریت و سود واقعی سنجیده می‌شود؛ اگر در طول دوره مورد قرائت؛ مقدار دفعاتی که مدیریت سود را بیش از حقیقت پیش‌بینی می‌نماید، افزون‌تر از تعداد دفعاتی باشد که کمتر از درستی پیش‌بینی می‌کند، مدیریت دارای اعتماد به نفس بیش از اندازه خواهد بود و متغیر over عدد ۱ و در غیر این صورت، عدد ۰ در نظر گرفته می‌شود (کیم، ۲۰۲۱).

توانایی مدیریت (Managerial Ability)

در یک دید کلی توانایی مدیران و معیارهای مختلف آن یکی از بدهای سرمایه‌سازمانی محسوب شده که، جزء دارایی‌های نامشهود شرکت می‌باشد و دمرجیان^۲ و همکاران، توانایی مدیران را به اسم توانایی مدیران؛ بسته به رقبا در دگرگونی منابع شرکت به درآمد تعریف می‌کنند. این منابع در شرکت‌ها، شامل قیمت موجودی‌ها، هزینه‌های فروش،

¹ kim

² Demerjian

اداری و عمومی، دارایی‌های ثابت مشهود، اجاره‌های عملیاتی، هزینه‌های تحقیق و توسعه و دارایی‌های نامشهود می‌باشد (دمرجیان، ۲۰۱۲). در حقیقت می‌توان گفت که مدیران توان‌تر درک بهتری از روند صنعت و فن‌آوری شرکت دارند و با اتکای بیشتری قادرند تا درخواست محصولات را پیش‌بینی کنند. بعلاوه، در طرح‌های با اهمیت و مدیریت فعال کارمندان که از مختصه مدیران بانفوذ است؛ سرمایه‌گذاری بهتر صورت می‌گیرد که مورد انتظار است، در زمان کوتاه این مدیران، درآمد بیشتری را با بکارگیری از سطح معینی از منابع در اختیار خود؛ بتوانند بدست بیاورند یا با استفاده از منابع محدود بتوانند به سطح جامعی از درآمد دست یابند. به طوری که افرادی که از خود رفتارهای بیش از حد اعتماد به نفس؛ نشان می‌دهند را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: (۱) اشخاص با اعتماد به نفس که ماهیتاً توانایی برتری نیز دارند و (۲) اشخاصی که به نادرستی معتقد هستند توانایی برتر دارند اما در حقیقت در دسته ضعیف قرار می‌گیرند، با این حال هر دو گروه "به ظاهر" بیش از حد اعتماد به نفس دارند (کاظمی و نمک آورانی، ۱۳۹۷).

جهت مقیاس کارایی شرکت و توانایی مدیریت، دمرجیان و مکوی (۲۰۱۲)، از مدل تحلیل پوششی داده‌ها (DEA) استفاده کرده‌اند. مدل تحلیل پوششی داده‌ها، نوعی مدل آماری است که برای سنجش کارکرد سیستم با استفاده از داده‌های ورودی و خروجی کاربرد دارد.

$$\max v \$ = \frac{\text{sales}}{v_1 \text{COGS} + v_2 \text{SG\&A} + v_3 \text{NETPPE} + v_4 \text{OpsLease} + v_5 \text{R\&D} + v_6 \text{Goodwill} + v_7 \text{Inttan}}$$

در این مدل، COGS قیمت کلای فروش رفته در سال t ، SG&A هزینه‌های عمومی، اداری و فروش در سال t ، NetPPE باقیمانده خالص املاک، ماشین‌آلات و تجهیزات در ابتدای سال t ، OPSLease: هزینه‌ی اجاره عملیاتی در سال t ، R&D هزینه‌ی تحقیق و توسعه در سال t ، GoodWill سرقفلی خریداری شده در ابتدای سال t ، Intan باقیمانده خالص دارایی نامشهود در ابتدای سال t و Sales مقدار فروش. در این مدل برای هر یک از متغیرهای ورودی ضریب ویژه (v) در نظر گرفته شده است، زیرا اثر همه متغیرهای ورودی بر خروجی (فروش) یکسان نیست. اندازه محاسبه شده برای آزمایش شرکت حدود ۰ تا ۱ قرار گرفته است. شرکت‌های با درجه آزمون یک، شرکت‌هایی هستند که بسیار کارآمد هستند و شرکت‌هایی که نتیجه آزمون آن‌ها کوچکتر از یک است، ناکارآمد هستند و باید با کم کردن هزینه‌ها و یا با افزایش درآمدها به حاشیه کارایی برسند. مقصود از اندازه‌گیری کارایی شرکت، برآورد توانایی مدیریت است و از آنجا که در محاسبات مربوط به کارایی، خصلت‌های ذاتی شرکت نیز دخیل هستند، نمی‌توان توانایی مدیریت را به درستی محاسبه نمود. زیرا تأثیر این خصایص، زیاد یا پایین تر از اندازه حقیقی اندازه‌گیری خواهد شد. دمرجیان و مکوی (۲۰۱۲) با هدف کنترل تأثیر ویژگی‌های ذاتی شرکت در مدل خود اثرات شرکت را به دو بخش جدا، یعنی اثرات بر اساس ویژگی‌های ذاتی شرکت و توانایی مدیریت تجزیه کردند. آن‌ها این نقش را با کمک کنترل پنج خصلت درونی شرکت (اندازه شرکت، سهم بازار شرکت، جریان نقدی شرکت، عمر پذیرش شرکت در بورس و فروش خارجی (صادرات) انجام دادند همه این پنج متغیر به عنوان خصایص درونی شرکت، می‌تواند به مدیریت کمک کند تا تصمیمات بهتری بگیرد، یا در خلاف جهت عمل کرده و توانایی مدیریت را اندک کند، که در رابطه زیر این پنج ویژگی ذاتی شرکت کنترل شده‌اند:

$$\begin{aligned} \text{FirmEfficiency}_{it} &= \alpha + \beta_1 \text{LN}(\text{TotalAssets})_{it} + \beta_2 \text{MarketShare}_{it} \\ &+ \beta_3 \text{FreeCashFlowIndicator}_{it} + \beta_4 \text{In}(\text{Age})_{it} \\ &+ \beta_5 \text{ForeignCurrencyIndicator}_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

Firm Efficiency_{it}: نماینگر کارایی شرکت i در سال t که از طریق رابطه تحلیل پوششی داده‌ها قابل محاسبه می‌باشد.

Total Assets_{it}: لگاریتم جمع کل دارایی‌های شرکت i در سال t می‌باشد.

Free Cash Flow_{it}: چنانچه جریان نقدی آزاد عملیاتی شرکت i در سال t مثبت باشد؛ برابر عدد ۱ و در صورت منفی - بودن برابر عدد صفر خواهد بود.

MarketShare_{it}: سهم بازار هریک از شرکت‌ها که از طریق نسبت؛ مقدار فروش در پایان سال بر جمع کل فروش صنعت در پایان سال برای شرکت i در سال t به دست می آید.

$$FCF_{it} = OP_{it} - TAXP_{it} - CIP_{it} - DPP_{it}$$

FCF_{it}: جریان‌های نقدی آزاد؛ شرکت i در سال t می باشد.

OP_{it}: سود عملیاتی قبل از استهلاک؛ شرکت i در سال t می باشد.

TAXP_{it}: مالیات پرداختی؛ شرکت i در سال t می باشد.

CIP_{it}: هزینه بهره پرداختی؛ شرکت i در سال t می باشد.

DPP_{it}: سودهای تقسیمی پرداختی؛ شرکت i در سال t می باشد.

Age_{it}: عمر شرکت است، و با روش لگاریتم طبیعی تعداد سال‌هایی که شرکت در بورس فعال بوده؛ محاسبه می‌گردد.

ForeignCurrency_{it}: بیانگر ارزش خارجی است، اگر شرکت در آن سال دارای صادرات باشد، عدد ۱ و در غیر این صورت عدد ۰ لحاظ می‌گردد.

ε_{it} : مقدار پسماند معادله رگرسیونی است که توانایی مدیریت (HI ABILITY) در شرکت را نشان می‌دهد (حسنی و سدید، ۱۳۹۶).

اظهار نظر تداوم فعالیت (Going Concern)

وفق استاندارد حسابرسی ایران، بخش ۵۷۰ با عنوان «تداوم فعالیت» در رابطه با چگونگی برخورد حسابرسان با مسأله پیچیده در تداوم فعالیت شرکت صاحبکار خود؛ بیان شده است: «حسابرس در روند طرح ریزی و اجرای رویه های حسابرسی و برآورد نتایج حاصل از آن، باید قابل بودن استفاده مدیریت را از فرض تداوم فعالیت در تهیه صورت‌های مالی، بررسی کند در صورتی که از نظر حسابرس واحد مورد رسیدگی قادر به ادامه فعالیت نباشد، اما صورت‌های مالی بر پایه تداوم فعالیت تهیه شده باشد، حسابرس باید با توجه به مقیاس اهمیت، طبق مورد نظر، مشروط یا مردود گزارش کند. در صورت وجود شک با اهمیت درباره تداوم فعالیت و افشای مکفی در صورت‌های مالی، حسابرس باید نظر مقبول ابراز کند، اما با افزودن یک بند توضیحی حاوی وجود ابهام با اهمیت در زمینه اتفاقات یا چگونگی اینکه ممکن است، دیدی بهتر در مورد توانایی واحد مورد رسیدگی به ادامه فعالیت انجام گیرد و با اشاره به یادداشت توضیحی صورت‌های مالی، گزارش خود را تراز کند. در صورت وجود شک با اهمیت و عدم آشکار کردن در صورت‌های مالی، حسابرس باید نظر مشروط ارائه کند. گزارش باید به صراحت، بیانگر این حقیقت باشد که ابهامی مهم وجود دارد که ممکن است درباره توانایی واحد مورد رسیدگی به ادامه فعالیت، گمانی بزرگ ایجاد کند. در صورت وجود مشکل اساسی درباره تداوم فعالیت یا وجود تکرار متعدد ابهام اساسی، مثل ابهام درباره تداوم فعالیت که آثار نهفته آن در کل اساسی باشد، حسابرس باید بدون توجه به افشا یا عدم افشای آن‌ها در صورت‌های مالی، به اندازه آن صورت عدم اظهار نظر ارائه کند» (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۳). فرض مذکور به پیروی از فرض تفکیک شخصیت در حسابدای بیان می‌گردد. این متغیر که یک متغیر مجازی با مقادیر صفر و یک ارائه می‌شود؛ به طوری که چنانچه گزارش حسابرسی، حسابرسان شرکت؛ حاوی اظهار نظر در رابطه با بند تداوم فعالیت باشد، عدد ۱ و در غیر این صورت، عدد ۰ لحاظ می‌شود.

چرخش یا گردش حسابرس (Auditor Terminated)

یکی از سازوکارهای توصیه شده مأخذهای حرفه‌ای و بورس‌های اوراق بهادار بیشتر کشورها برای رفع مسأله آزادی حسابرسان و افزایش وضع خدمات حسابرسی، چرخش (تغییر) مؤسسات حسابرسی بوده است. عمل چرخش مؤسسات حسابرسی به معنی، تغییر حسابرس بعد از انجام چندین دوره حسابرسی یک شرکت است که طبق مقررات با تصمیم‌گیری مجامع عمومی هر شرکت انجام می‌گردد (حضرتی و همکاران، ۱۳۹۷). لذا در صورتی که حسابرس تغییر کند به عنوان یک متغیر مجازی؛ عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر لحاظ می‌گردد (جمشیدی نوید و همکاران، ۱۳۹۸).

آمار توصیفی

به مجموعه‌ای از معیارهایی که می‌توانند مشخصات کلی و جامعی از اطلاعات گردآوری شده را برای پژوهشگر ارائه دهند، آماره‌های توصیفی گفته می‌شود. بدین منظور، در این بخش با ارائه جدول مربوطه، به بررسی توصیفی مشاهدات برای شرکت‌های انتخاب شده در نمونه پرداخته می‌شود و به تفکیک برای هر یک از متغیرها، شاخص‌های توصیفی مربوط به تحقیق ارائه می‌گردد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، آمار توصیفی که دربرگیرنده شاخص‌های مرکزی، پراکندگی و انحراف از قرینگی است محاسبه می‌شود. همچنین کمترین و بیشترین مقدار به عنوان کران مشاهدات برای هر یک از متغیرهای تحقیق ارائه شده‌اند. سپس از تفاضل این دو مقدار، دامنه تغییرات که ابتدایی‌ترین شاخص پراکندگی است حاصل می‌شود. شاخص مذکور به شدت تحت تأثیر مشاهدات دورافتاده می‌باشد لذا در تحلیل پراکندگی، از شاخص انحراف معیار استفاده می‌گردد. نتایج آمار توصیفی بیانگر تنوع نمونه می‌باشد که آن هم حاکی از تنوع شرکت‌های انتخابی و در نتیجه قابلیت تعمیم نتایج نمونه به جامعه تحقیق می‌باشد. اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص مناسبی برای نشان دادن مرکز داده‌ها می‌باشد. ضریب چولگی جهت تعیین انحراف از قرینگی بوده و به عنوان شاخص تقارن داده‌ها به کار برده می‌شود. در صورتی که جامعه از توزیع متقارن برخوردار باشد، ضریب چولگی برابر با صفر، در صورتی که جامعه چوله به چپ باشد، ضریب چولگی منفی و در صورتی که دارای چوله به راست باشد، ضریب چولگی مثبت خواهد بود. معیار کشیدگی نیز میزان پراکندگی مشاهدات را نسبت به توزیع نرمال نشان می‌دهد. به طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. جدول (۱) آماره‌های توصیفی متغیرهای مورد استفاده در مدل تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول (۱): آماره‌های توصیفی متغیرهای مدل

عنوان	اعتماد به نفس بیش از حد مدیران (Overconfidence)	توانایی مدیریت (Ability Managerial)	اظهار نظر تداوم فعالیت (Going Concern)	چرخش حسابرس (Auditor Terminated)	زیان ده بودن (-LOSS PY)	اندازه موسسه حسابرسی (BIGN)	شاخص ورشکستگی (Z آنتن)	اندازه شرکت (SIZE)	اهرم مالی (LEV)
میانگین	۰٫۶۴۰۱	۰٫۳۳۱۱	۰٫۵۷۷۱۳	۰٫۴۶۱۹۷	۰٫۵۰۷	۰٫۶۸۲۷	۲٫۴۱۰۶۸	۱۳٫۸۹۲۱	۰٫۶۰۰۶۸
میانه	۱	۰٫۲۳۱۲	۱	۰	۰	۱	۲٫۲۶۲۳	۱۳٫۷۶۸	۰٫۶۲۰۹۳
ماکزیمم	۱	۰٫۱۹۸۴	۱	۱	۱	۱	۵٫۹۴۷۱	۱۹٫۰۰۹۴	۰٫۷۹۴۹۱
مینیمم	۰	-۰٫۰۹۷۴	۰	۰	۰	۰	۱٫۲۲۲۵۹	۱۰٫۰۳۱۲	۰٫۳۹۶۴۲
انحراف معیار	۰٫۱۶۳۱۱	۰٫۴۰۴۵	۰٫۱۶۸۴۴	۰٫۴۶۱۹۷	۰٫۱۸۴	۰٫۴۸۲۶۸	۰٫۸۱۵۹۸	۲٫۸۹۲۱	۰٫۱۸۴۷۸

به طور کلی، آماره‌های توصیفی حاکی از آن است که نمونه انتخابی از تنوع زیادی برخوردار است. به عنوان نمونه، آمار توصیفی مربوط اندازه شرکت نشان می‌دهد که حداکثر و حداقل اندازه شرکت به ترتیب برابر ۱۹٫۰۰۹ و ۱۰٫۰۳۱ انحراف

معیار آن نیز برابر با ۲,۹۸ است. در خصوص سایر متغیرها چنین ویژگی وجود دارد که حاکی از تنوع شرکت‌های انتخابی و در نتیجه قابلیت تعمیم نتایج نمونه به جامعه تحقیق می باشد.

تجزیه و تحلیل نتایج فرضیه های پژوهش

در این تحقیق به بررسی تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد و توانایی مدیریت بر تصمیمات تداوم فعالیت و چرخش حسابرس در شرکت ها پرداخته می شود. بنابراین موضوع پژوهش در قالب شش فرضیه آزمون می گردد. جهت آزمون فرضیه از روش همبستگی بین متغیرها و معادلات رگرسیون چند متغیره از طریق مدل لجستیک استفاده می شود.

تجزیه و تحلیل فرضیه اصلی

فرضیه اول: اعتماد به نفس بیش از حد مدیران بر صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت تأثیر معنادار دارد. نتایج مربوط به آزمون فرضیه اول در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول (۲): تجزیه و تحلیل فرضیه اول

دوره برآورد: ۱۴۰۰-۱۳۹۶					
Method: ML - Binary Logit Quadratic hill climbing					
ضریب تعیین مک فادن (McFadden R- squared)			۰,۶۰۶۷۷		
آماره LR			۲۶۰,۶۶۵۹		
احتمال (ProbLR statistic)			۰		
متغیر توضیحی	ضریب	خطای استاندارد	آماره Z	احتمال	سطح اطمینان
اعتماد به نفس بیش از حد مدیران	۱,۶۴۴۲۸۶	۰,۷۳۲۲۰۱	۲,۲۴۵۶۷۵	۰,۰۲۴۷	٪۹۵
اندازه شرکت	-۲,۱۴۴۵	۱,۰۶۴۵۹۴	-۲,۰۱۴۳۷۹	۰,۰۴۵۶	٪۹۵
شاخص ورشکستگی	۰,۹۳۹۸۹۶	۰,۴۵۵۵۴۲	۲,۰۶۳۲۴۷۷	۰,۰۳۹۱	٪۹۵
درآمد منفی	-۱,۷۰۵۴	۱,۷۳۳۹۹۶	-۰,۹۸۳۵۰۷	۰,۳۲۵۴	بدون معنی
اهرم مالی شرکت	۱,۳۷۴۰۵	۰,۵۸۳۹۷۲	۲,۳۵۲۹۴۵	۰,۰۲۰۱	٪۹۵
اندازه موسسه حسابرسی	-۶,۳۷۶۵	۰,۸۲۷۲۸۳	-۷,۷۰۷۷۵۹	۰	٪۹۵
مقدار ثابت مدل	-۴,۵۷۵۵۷	۱,۵۰۹۶۱۶	-۳,۰۳۰۹۵۲	۰,۰۰۲۴	٪۹۵

با توجه به آماره LR و احتمال مربوط به آن می توان نتیجه گرفت که در سطح اطمینان ۹۹٪ معادله رگرسیون معنی دار است.

ضریب تعیین مدل بیان کننده میزان مربوط بودن متغیر مستقل با متغیر وابسته (صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت) می باشد. مطابق با جدول ۲ ضریب تعیین مدل ۰,۶۰ می باشد. بنابراین به طور متوسط ۶۰ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط این مدل تبیین می شود. با توجه به نتایج آزمون مدل احتمال مربوط به متغیرها، متغیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیران دارای احتمال کمتر از ۰,۰۵ می باشد، بنابراین این متغیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد در مدل معنی دار می باشد. از بین متغیرهای کمکی، متغیرهای اندازه شرکت، شاخص ورشکستگی، اهرم مالی شرکت و اندازه موسسه حسابرسی دارای احتمال کمتر از ۰,۰۵ می باشد؛ بنابراین این متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد در مدل معنی دار می باشند؛ اما متغیر درآمد منفی دارای احتمال بیشتر از ۰,۰۵ و در سطح اطمینان ۹۵ درصد در مدل معنی دار نمی باشد؛ لذا با توجه به احتمال متغیرها در مدل و معناداری متغیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیران که متغیر اصلی در تأیید یا رد فرضیه می باشد؛ می توان ادعا نمود اعتماد به نفس بیش از حد مدیران بر صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم

فعالیت تأثیر معنادار دارد، لذا فرضیه اول پژوهش تأیید می گردد. از طرفی علامت ضریب متغیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیران در مدل مثبت است؛ بنابراین می توان ادعا نمود تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیران بر صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت مثبت یا مستقیم است؛ یعنی با افزایش اعتماد به نفس بیش از حد مدیران احتمال صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت افزایش و با کاهش اعتماد به نفس بیش از حد مدیران احتمال صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت، کاهش می یابد.

تجزیه و تحلیل فرضیه دوم

فرضیه دوم: توانایی مدیریت بر صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت تأثیر معنادار دارد. نتایج مربوط به آزمون فرضیه در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول (۳): تجزیه و تحلیل فرضیه دوم

دوره برآورد: ۱۳۹۶-۱۴۰۰					
Method: ML - Binary Logit Quadratic hill climbing					
ضریب تعیین مک فادن (McFadden R-squared)			۰,۶۵۴۶۰۵		
آماره LR			۱۷,۰۶۳۶۴		
احتمال (ProbLR statistic)			.		
متغیر توضیحی	ضریب	خطای استاندارد	آماره Z	احتمال	سطح اطمینان
توانایی مدیریت	-۱,۹۵۶۳۸۲	۰,۹۵۳۱۰۶	-۲,۰۵۲۶۳۸	۰,۰۴۰۶	۰,۹۵
اندازه شرکت	-۲۰,۴۸۳۸۹	۸,۰۹۳۸۲	-۲,۵۳۰۸۰۶۲	۰,۰۰۱۳	۰,۹۵
شاخص ورشکستگی	۸,۹۹۹۴۸۷	۳,۳۷۱۴۶	۲,۶۶۹۳	۰,۰۱۴۸	۰,۹۵
درآمد منفی	-۱۲,۹۶۴۶	۱۴,۶۵۶۹۷	-۰,۸۸۴۵۳۵	۰,۳۷۶۴	بدون معنی
اهرم مالی شرکت	۶,۷۲۲۸۴	۲,۰۳۷۵۷۳	۳,۲۹۹۴۳۵	۰,۰۰۹	۰,۹۵
اندازه موسسه حسابرسی	-۱۴,۶۵۶۱	۶,۱۴۴۴۹	-۲,۳۸۵۲۴۲۷	۰,۰۳۸۱	۰,۹۵
مقدار ثابت مدل	-۱۸,۶۱۷۶	۱۱,۳۰۵۱۹	-۱,۶۴۶۸۱۷	۰,۰۹۹۶	بدون معنی

با توجه به آماره LR و احتمال مربوط به آن می توان نتیجه گرفت که در سطح اطمینان ۹۹٪ معادله رگرسیون معنی دار است.

ضریب تعیین مدل بیان کننده میزان مربوط بودن متغیر مستقل با متغیر وابسته (صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت) می باشد. مطابق با جدول ۳ ضریب تعیین مدل ۰,۶۵ می باشد. بنابراین به طور متوسط ۶۵ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط این مدل تبیین می شود. با توجه به نتایج آزمون مدل احتمال مربوط به متغیرها، متغیر توانایی مدیریت دارای احتمال کمتر از ۰,۰۵ می باشد بنابراین این متغیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد در مدل معنی دار می باشد. از بین متغیرهای کمکی، متغیرهای اندازه شرکت، شاخص ورشکستگی، اهرم مالی شرکت و اندازه موسسه حسابرسی دارای احتمال کمتر از ۰,۰۵ می باشد بنابراین این متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد در مدل معنی دار می باشند؛ اما متغیر درآمد منفی دارای احتمال بیشتر از ۰,۰۵ و در سطح اطمینان ۹۵ درصد در مدل معنی دار نمی باشد؛ لذا با توجه به احتمال متغیرها در مدل و معناداری متغیر توانایی مدیریت که متغیر اصلی در تأیید یا رد فرضیه می باشد؛ می توان ادعا نمود توانایی مدیریت بر احتمال صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت تأثیر معنادار دارد، لذا فرضیه دوم پژوهش تأیید می گردد و از طرفی علامت ضریب متغیر توانایی مدیریت در مدل منفی است بنابراین می توان ادعا نمود که تأثیر توانایی مدیریت بر صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت منفی یا معکوس است. یعنی با افزایش

توانایی مدیریت احتمال صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت کاهش و با کاهش توانایی مدیریت احتمال صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت، افزایش می یابد.

تجزیه و تحلیل فرضیه سوم

فرضیه سوم: توانایی مدیریت بر رابطه بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیران و صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت تأثیر معنادار دارد.

نتایج مربوط به آزمون فرضیه سوم در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول (۴): تجزیه و تحلیل فرضیه سوم

دوره برآورد: ۱۴۰۰-۱۳۹۶					
Method: ML - Binary Logit Quadratic hill climbing					
ضریب تعیین مک فادن (McFadden R-squared)			۰,۶۷۳۳۳۶		
آماره LR			۷۵,۲۷۳۳۹		
احتمال (ProbLR statistic)			۰		
متغیر توضیحی	ضریب	خطای استاندارد	آماره Z	احتمال	سطح اطمینان
اعتماد به نفس بیش از حد مدیران	۹,۱۰۲۵۷۳	۳,۸۴۳۵۵۳	۲,۳۶۸۲۷	۰,۰۱۷۹	۰,۹۵
توانایی مدیریت	-۱۴,۳۴۱۸	۳,۶۵۱۴	-۳,۹۲۷۷۵۳	۰,۰۰۰۱	۰,۹۵
توانایی مدیریت* اعتماد به نفس بیش از حد مدیران	-۳,۷۷۳۰۲	۲,۴۰۸۷۸۵	-۱,۵۶۶۳۵۸	۰,۱۱۷۳	بدون معنی
اندازه شرکت	-۱۱,۵۵۸۳۹	۳,۷۳۶۷۶۳	-۳,۰۹۳۱۵۶	۰,۰۰۲	۰,۹۵
شاخص ورشکستگی	۱۰,۰۲۵	۳,۴۱۹۹۷۷	۲,۹۳۱۳۱۹	۰,۰۰۳۴	۰,۹۵
درآمد منفی	۴,۲۹۰۰۸	۱,۸۵۱۱۱۷	۲,۳۱۷۵۶۱	۰,۰۲۰۵	۰,۹۵
اهرم مالی شرکت	۰,۰۶۳۹۲۵	۰,۲۳۴۱,۰	۲,۷۳۰۶۶۵	۰,۰۰۶۳	۰,۹۵
اندازه موسسه حسابرسی	-۱۴,۶۴۵۶	۳,۵۹۳۸۴۳	-۴,۰۷۵۲۰۹	۰	۰,۹۵
مقدار ثابت مدل	۲,۸۲۷۸۵	۲,۸۷۰۴۱	۰,۹۸۵۱۷۲۸	۰,۰۶۷۷	بدون معنی

با توجه به آماره LR و احتمال مربوط به آن می توان نتیجه گرفت که در سطح اطمینان ۹۹٪ معادله رگرسیون معنی دار است.

ضریب تعیین مدل بیان کننده میزان مربوط بودن متغیر مستقل با متغیر وابسته (صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت) می باشد. مطابق با جدول ۴ ضریب تعیین مدل ۰,۶۷ می باشد. بنابراین به طور متوسط ۶۷ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط این مدل تبیین می شود. با توجه به نتایج آزمون مدل احتمال مربوط به متغیرها، متغیرهای اعتماد به نفس بیش از حد مدیران و توانایی مدیریت دارای احتمال کمتر از ۰,۰۵ می باشد؛ بنابراین این متغیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد در مدل معنی دار می باشد اما متغیر حاصل ضرب اعتماد به نفس بیش از حد مدیران در توانایی مدیریت دارای احتمال بیشتر از ۰,۰۵ و در سطح اطمینان ۹۵ درصد در مدل معنی دار نمی باشد. از بین متغیرهای کمکی، متغیرهای اندازه شرکت، شاخص ورشکستگی، اهرم مالی شرکت و اندازه موسسه حسابرسی دارای احتمال کمتر از ۰,۰۵ می باشد بنابراین این متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد در مدل معنی دار می باشند، اما متغیر درآمد منفی دارای احتمال بیشتر از ۰,۰۵ و در سطح اطمینان ۹۵ درصد در مدل معنی دار نمی باشد لذا با توجه به احتمال متغیرها در مدل و عدم معناداری متغیر حاصل ضرب اعتماد به نفس بیش از حد مدیران در توانایی مدیریت که متغیر اصلی در تأیید یا رد فرضیه می باشد؛ می توان ادعا نمود توانایی مدیریت بر رابطه بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیران و صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت تأثیر معنادار ندارد، لذا فرضیه سوم پژوهش تأیید نمی گردد.

تجزیه و تحلیل فرضیه چهارم

فرضیه چهارم: اعتماد به نفس بیش از حد مدیران بر چرخش حسابرس تأثیر معنادار دارد. نتایج مربوط به آزمون فرضیه در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول (۵): تجزیه و تحلیل فرضیه چهارم

دوره برآورد: ۱۴۰۰-۱۳۹۶					
Method: ML - Binary Logit Quadratic hill climbing					
ضریب تعیین مک فادن (McFadden R-squared)					۰,۶۳۳۹۲۱
آماره LR					۴۷,۵۶۷۴۴
احتمال (ProbLR statistic)					.
متغیر توضیحی	ضریب	خطای استاندارد	آماره Z	احتمال	سطح اطمینان
اعتماد به نفس بیش از حد مدیران	۷,۴۳۳۲۷۱	۳,۵۶۵۱۹	۲,۰۸۴۹۵۸	۰,۰۴۰۳	۰,۹۵
اندازه شرکت	۴,۰۸۵۱۲۳	۳,۸۹۵۵۵۱	۱,۰۴۸۶۶۳۷	۰,۲۹۴۳	بدون معنی
شاخص ورشکستگی	۱۲,۷۵۸۵۳	۶,۲۲۷۷۲۸	۲,۰۴۸۶۶۵	۰,۰۴۰۵	۰,۹۵
درآمد منفی	۱,۷۱۱۵۳۷	۴,۱۶۲۷۲۹	۰,۴۱۱۱۵۷۴	۰,۶۸۱	بدون معنی
اهرم مالی شرکت	۲,۶۱۹۵۸	۰,۷۷۵۶۶۳	۳,۳۷۷۲۱۵	۰,۰۰۰۱	۰,۹۵
اندازه موسسه حسابرسی	-۰,۳۰۰۳۱۹	۰,۱۱۵۷۵۹	-۲,۵۹۴۳۴۶۹	۰,۰۰۹۵	۰,۹۵
مقدار ثابت مدل	-۱۵۶۶,۲	۴,۵۹۳۰۹۷	-۰,۴۶۹۵۳۱	۰,۶۳۸۷	بدون معنی

با توجه به آماره LR و احتمال مربوط به آن می توان نتیجه گرفت که در سطح اطمینان ۹۹٪ معادله رگرسیون معنی دار است.

ضریب تعیین مدل بیان کننده میزان مربوط بودن متغیر مستقل با متغیر وابسته (چرخش حسابرس) می باشد. مطابق با جدول ۵ ضریب تعیین مدل ۰,۶۳ می باشد. بنابراین به طور متوسط ۶۳ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط این مدل تبیین می شود. با توجه به نتایج آزمون مدل احتمال مربوط به متغیرها، متغیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیران دارای احتمال کمتر از ۰,۰۵ می باشد بنابراین این متغیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد در مدل معنی دار می باشد. از بین متغیرهای کمکی، متغیرهای شاخص ورشکستگی، اهرم مالی شرکت و اندازه موسسه حسابرسی دارای احتمال کمتر از ۰,۰۵ می باشد؛ بنابراین این متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد در مدل معنی دار می باشند؛ اما متغیرهای اندازه شرکت و درآمد منفی دارای احتمال بیشتر از ۰,۰۵ و در سطح اطمینان ۹۵ درصد در مدل معنی دار نمی باشد؛ لذا با توجه به احتمال متغیرها در مدل و معناداری متغیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیران که متغیر اصلی در تأیید یا رد فرضیه می باشد؛ می توان ادعا نمود اعتماد به نفس بیش از حد مدیران بر چرخش حسابرس تأثیر معنادار دارد، لذا فرضیه چهارم پژوهش تأیید می گردد و از طرفی علامت ضریب متغیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیران در مدل مثبت است. بنابراین می توان ادعا نمود تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیران بر چرخش حسابرس مثبت یا مستقیم است، یعنی با افزایش اعتماد به نفس بیش از حد مدیران چرخش حسابرس افزایش و با کاهش اعتماد به نفس بیش از حد مدیران، چرخش حسابرس کاهش می یابد.

تجزیه و تحلیل فرضیه پنجم

فرضیه پنجم: توانایی مدیریت بر چرخش حسابرس تأثیر معنادار دارد. نتایج مربوط به آزمون فرضیه در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول (۶): تجزیه و تحلیل فرضیه پنجم

دوره برآورد: ۱۳۹۶-۱۴۰۰					
Method: ML - Binary Logit Quadratic hill climbing					
۰,۷۱۸۴۲			ضریب تعیین مک فادن (McFadden R-squared)		
۴۶,۷۶۵۷۳			آماره LR		
۰			احتمال (ProbLR statistic)		
سطح اطمینان	احتمال	آماره Z	خطای استاندارد	ضریب	متغیر توضیحی
۰,۹۵	۰	۳,۱۹۵۸۳۲	۳,۶۱۴۲۵۵	۱۱,۵۵۰۵۵	توانایی مدیریت
بدون معنی	۰,۲۳۷۹	-۱,۱۸۰۱۲۷	۴,۰۳۸۹۶۱	-۴,۷۶۶۴۹	اندازه شرکت
۰,۹۵	۰,۰۲۵۱	۲,۴۳۰۹۷۴	۱,۹۷۰۹۷۸	۴,۷۹۱۳۹۸	شاخص ورشکستگی
بدون معنی	۰,۲۶۸۵	۱,۱۰۶۴۶۰۴	۴,۳۳۱۵۰۸	۴,۷۹۲۶۴۲	درآمد منفی
۰,۹۵	۰,۰۴۲۳	۲,۰۴۹۳۴۵۹	۶,۰۵۷۱۲۳	۱۲,۴۱۳۱۴	اهرم مالی شرکت
۰,۹۵	۰,۰۴۷۹	-۱,۹۷۸۲۵۰	۵,۳۸۸۰۹۴	-۱۰,۶۵۹	اندازه موسسه حسابرسی
بدون معنی	۰,۰۶۷۷	۱,۸۲۷۲۵۸۴	۴,۸۲۷۲۹	۸,۸۲۰۷۰۶	مقدار ثابت مدل

با توجه به آماره LR و احتمال مربوط به آن می‌توان نتیجه گرفت که در سطح اطمینان ۹۹٪ معادله رگرسیون معنی‌دار است.

ضریب تعیین مدل بیان‌کننده میزان مربوط بودن متغیر مستقل با متغیر وابسته (چرخش حسابرس) می‌باشد. مطابق با جدول ۶ ضریب تعیین مدل ۰,۷۱ می‌باشد. بنابراین به طور متوسط ۷۱ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط این مدل تبیین می‌شود. با توجه به نتایج آزمون مدل احتمال مربوط به متغیرها، متغیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیران دارای احتمال کمتر از ۰,۰۵ می‌باشد بنابراین این متغیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد در مدل معنی‌دار می‌باشد. از بین متغیرهای کمکی، متغیرهای شاخص ورشکستگی، اهرم مالی شرکت و اندازه موسسه حسابرسی دارای احتمال کمتر از ۰,۰۵ می‌باشد؛ بنابراین این متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد در مدل معنی‌دار می‌باشند؛ اما متغیرهای اندازه شرکت و درآمد منفی دارای احتمال بیشتر از ۰,۰۵ و در سطح اطمینان ۹۵ درصد در مدل معنی‌دار نمی‌باشد؛ لذا با توجه به احتمال متغیرها در مدل و معناداری متغیر توانایی مدیریت که متغیر اصلی در تأیید یا رد فرضیه می‌باشد؛ می‌توان ادعا نمود توانایی مدیریت بر چرخش حسابرس تأثیر معنادار دارد لذا فرضیه پنجم پژوهش تأیید می‌گردد و از طرفی علامت ضریب متغیر توانایی مدیریت در مدل مثبت است، بنابراین می‌توان ادعا نمود تأثیر توانایی مدیریت بر چرخش حسابرس مثبت یا مستقیم است، یعنی با افزایش توانایی مدیریت چرخش حسابرس افزایش و با کاهش توانایی مدیریت، چرخش حسابرس کاهش می‌یابد.

تجزیه و تحلیل فرضیه ششم

فرضیه ششم: توانایی مدیریت بر رابطه بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیران و چرخش حسابرس تأثیر معنادار دارد. نتایج مربوط به آزمون فرضیه در جدول ۷ ارائه شده است.

جدول (۷): تجزیه و تحلیل فرضیه ششم

دوره برآورد: ۱۳۹۶-۱۴۰۰	
Method: ML - Binary Logit Quadratic hill climbing	
۰,۷۴۱۶۴۳	ضریب تعیین مک فادن (McFadden R-squared)
۱۳,۹۷۵۵۷	آماره LR

احتمال (ProbLR statistic)					
سطح اطمینان	احتمال	آماره Z	خطای استاندارد	ضریب	متغیر توضیحی
۰,۹۵	۰,۰۴۵۶	۱,۹۶۶۰۴۲	۱,۰۱۳۲۰۹	۱,۹۹۲۰۱۲	اعتماد به نفس بیش از حد مدیران
%۹۵	۰,۰۱۱۶	۲,۸۵۶۷۱	۰,۱۰۰۷۴	۰,۲۸۷۷۹	توانایی مدیریت
%۹۵	۰,۰۱۴۸	۲,۶۰۸۸۷۹۶	۱,۱۱۸۰۷	۲,۹۱۶۹۱	توانایی مدیریت* اعتماد به نفس بیش از حد مدیران
بدون معنی	۰,۶۱۶۳	۰,۵۰۱۰۵۴۱	۰,۶۹۹۱۶۴	۰,۳۵۰۳۱۹	اندازه شرکت
۰,۹۵	۰,۰۳۸	۲,۱۳۵۸۵۹	۰,۸۹۳۸۴	۱,۹۰۹۱۲	شاخص ورشکستگی
بدون معنی	۰,۵۶۰۲	-۰,۵۸۲۵۸۶	۰,۸۶۳۱۶۳	-۰,۵۰۲۸۶۷	درآمد منفی
%۹۵	۰,۰۳۵۱	۲,۰۶۲۲۲۹	۱,۴۶۷۱۹۶	۳,۰۲۵۶۹	اهرم مالی شرکت
%۹۵	۰,۰۳۵۱	-۲,۰۶۲۲۲۹	۱,۴۶۷۱۹۶	-۳,۰۲۵۶۹	اندازه موسسه حسابرسی
بدون معنی	۰,۸۳۴۳	۰,۲۰۹۱۷۳۲	۴,۸۵۶۶۶۸	۱,۰۱۵۸۸۵	مقدار ثابت مدل

با توجه به آماره LR و احتمال مربوط به آن می‌توان نتیجه گرفت که در سطح اطمینان ۹۹٪ معادله رگرسیون معنی‌دار است.

ضریب تعیین مدل بیان‌کننده میزان مربوط بودن متغیر مستقل با متغیر وابسته (چرخش حسابرس) می‌باشد. مطابق با جدول ۷ ضریب تعیین مدل ۰,۷۴ می‌باشد. بنابراین به طور متوسط ۷۴ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط این مدل تبیین می‌شود. با توجه به نتایج آزمون مدل احتمال مربوط به متغیرها، متغیرهای اعتماد به نفس بیش از حد مدیران، توانایی مدیریت و حاصل ضرب اعتماد به نفس بیش از حد مدیران در توانایی مدیریت دارای احتمال کمتر از ۰,۰۵ می‌باشند بنابراین این متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد در مدل معنی‌دار می‌باشند، از بین متغیرهای کمکی، متغیرهای شاخص ورشکستگی، اهرم مالی شرکت و اندازه موسسه حسابرسی دارای احتمال کمتر از ۰,۰۵ می‌باشد، بنابراین این متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد در مدل معنی‌دار می‌باشند اما متغیرهای اندازه شرکت و درآمد منفی دارای احتمال بیشتر از ۰,۰۵ و در سطح اطمینان ۹۵ درصد در مدل معنی‌دار نمی‌باشد لذا با توجه به احتمال متغیرها در مدل و معناداری متغیرهای اعتماد به نفس بیش از حد مدیران، توانایی مدیریت و حاصل ضرب اعتماد به نفس بیش از حد مدیران در توانایی مدیریت که متغیرهای اصلی در تأیید یا رد فرضیه می‌باشند، می‌توان ادعا نمود توانایی مدیریت بر رابطه بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیران و چرخش حسابرس تأثیر معنادار دارد، لذا فرضیه ششم پژوهش تأیید می‌گردد.

بنابر موارد ذکر شده نتایج فرضیات به شرح جدول زیر خلاصه می‌گردد:

جدول (۸): خلاصه نتایج آزمون فرضیه‌ها

شماره فرضیه	فرضیه	نتیجه آزمون فرضیه	نتیجه
۱	اعتماد به نفس بیش از حد مدیران بر صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت تأثیر معنادار دارد.	معناداری متغیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیران	تأیید فرضیه
۲	توانایی مدیریت بر صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت تأثیر معنادار دارد.	معناداری متغیر توانایی مدیریت	تأیید فرضیه
۳	توانایی مدیریت بر رابطه بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیران و صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت تأثیر معنادار دارد.	عدم معناداری متغیر حاصل ضرب اعتماد به نفس بیش از حد مدیران در توانایی مدیریت	رد فرضیه

تأیید فرضیه	معداری متغیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیران	اعتماد به نفس بیش از حد مدیران بر چرخش حسابرس تأثیر معنادار دارد.	۴
تأیید فرضیه	معداری متغیر توانایی مدیریت	توانایی مدیریت بر چرخش حسابرس تأثیر معنادار دارد.	۵
تأیید فرضیه	معداری متغیرهای اعتماد به نفس بیش از حد مدیران، توانایی مدیریت و حاصل ضرب اعتماد به نفس بیش از حد مدیران در توانایی مدیریت	توانایی مدیریت بر رابطه بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیران و چرخش حسابرس تأثیر معنادار دارد.	۶

صورت‌های مالی همراه با گزارش حسابرسی در بازار سرمایه ایران منبع اطلاعاتی مهمی در مورد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس به حساب می‌آید. این اطلاعات حداقل به صورت سالانه تهیه و منتشر می‌شود و بسیاری از فعالان بازار سرمایه در اتخاذ تصمیم در مورد خرید و فروش سهام شرکت‌ها به این اطلاعات اتکا می‌کنند (حاجیها و ابراهیمی، ۱۳۹۵). صورت‌های مالی یکی از گزارش‌هایی است که مدیریت می‌تواند اطلاعات مالی را جهت ارزیابی عملکرد شرکت در اختیار ذی‌نفعان قرار دهد. صورت‌های مالی باید شامل اطلاعات کامل و تمام حقایق انجام شده طی یک دوره توسط شرکت باشد. هدف حسابرس اطمینان کافی نسبت به انطباق صورت‌های مالی با استانداردهای حسابداری می‌باشد. نتیجه حسابرسی صورت‌های مالی، اظهارنظر حسابرس است که به‌عنوان نمادی از اعتماد عمومی نسبت به اطلاعات ارائه شده در صورت‌های مالی در نظر گرفته می‌شود (صفی پورافشار، ۱۴۰۱).

حسابرس در جریان حسابرسی باید ارزیابی مدیریت را از توانایی واحد مورد رسیدگی نسبت به تداوم فعالیت، بررسی کند. مسئولیت حسابرس در برابر فرض تداوم فعالیت، بررسی مناسب بودن استفاده مدیریت از فرض تداوم فعالیت در تهیه صورت‌های مالی و بررسی احتمال وجود ابهام با اهمیت یا اساسی درباره توانایی تداوم فعالیت واحد مورد رسیدگی به‌عنوان یک واحد دایر است که نیاز به افشاء در صورت‌های مالی دارد (استاندارد حسابرسی شماره ۵۷۰، ۱۳۸۳). به اعتقاد کارسن حسابرس نسبت به این سؤال که آیا نسبت به تداوم فعالیت شرکت برای مدت‌زمان معقول تردید اساسی وجود دارد یا خیر، پاسخ‌گو می‌باشد. هدف اولیه صورت‌های مالی فراهم‌آوردن اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیری اقتصادی است. اگر ابهام ناشی از رویدادهای آتی مفید بودن صورت‌های مالی را تحت‌الشعاع قرار دهد، حسابرس موظف است به نحوی این ابهامات را به اطلاع استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی برساند (ابراهیمی، ۱۳۹۵). بر اساس فرض تداوم فعالیت، واحد مورد رسیدگی معمولاً به‌عنوان واحدی فرض می‌شود که در آینده قابل پیش‌بینی به فعالیت خود ادامه می‌دهد و قصد یا الزامی برای انحلال، توقف فعالیت، یا کاهش قابل توجه در حجم عملیات را ندارد؛ بنابراین، دارایی‌ها و بدهی‌ها بر مبنای توانایی واحد مورد رسیدگی در بازیافت دارایی‌ها و تسویه بدهی‌ها در جریان عادی فعالیت‌های تجاری، ثبت می‌شود (استاندارد حسابرسی شماره ۵۷۰، ۱۳۸۳). استاندارد حسابداری شماره ۱ (۱۳۹۷) این‌گونه مقرر می‌کند: مدیریت در زمان تهیه صورت‌های مالی باید توان تداوم فعالیت واحد تجاری را ارزیابی کند. صورت‌های مالی باید بر مبنای تداوم فعالیت تهیه شود، مگر اینکه مدیریت قصد انحلال یا توقف عملیات واحد تجاری را داشته باشد، یا عملاً ناچار به انجام این امر شود. حسابرس در برنامه‌ریزی حسابرسی باید احتمال وجود رویدادها یا شرایطی را مورد توجه قرار دهد که ممکن است تردیدی عمده نسبت به توانایی واحد مورد رسیدگی به تداوم فعالیت ایجاد کند. از طرفی چرخش مؤسسات حسابرسی از جمله مقرراتی است که برای حفظ استقلال و ارتقای کیفیت حسابرسی وضع شده است. اما اقدامات مدیریتی منجر به تردید حرفه‌ای در حسابرسان و درک ریسک چرخش در حسابرسان می‌شود که این می‌تواند بر کیفیت حسابرسی آنان اثرگذار باشد. با توجه به اهمیت موضوع تردید حرفه‌ای حسابرسی، در این پژوهش بررسی تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد و توانایی مدیریت بر تصمیمات تداوم فعالیت و چرخش حسابرس در شرکت‌ها پرداخته شد. بنابراین موضوع پژوهش

در قالب شش فرضیه آزمون گردید. جامعه آماری تحقیق، کلیه شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در سازمان بورس اوراق بهادار تهران از ابتدای سال ۱۳۹۶ لغایت انتهای سال ۱۴۰۰ می باشد. نمونه مورد بررسی تحقیق، مشتمل بر ۱۰۸ شرکت که با استفاده از روش حذف سیستماتیک انتخاب گردید در این پژوهش از روش کتابخانه‌ای برای جمع‌آوری مبنای نظری موضوع استفاده گردید. بدین منظور اطلاعات مربوط به ادبیات تحقیق با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، کتاب‌ها و مقالات موجود در کتابخانه دانشگاه‌ها جمع‌آوری می‌گردد. ابزارهای گردآوری داده‌ها در تحقیق حاضر، بانک‌های اطلاعاتی و نرم‌افزارهای اطلاعاتی موجود مانند ره آورد نوین و صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و همچنین سایت‌های اینترنتی مانند www.tsetmc.ir می باشد. جهت آزمون فرضیه از روش همبستگی بین متغیرها و معادلات رگرسیون چند متغیره از طریق مدل لجستیک استفاده گردید.

خلاصه یافته‌ها و نتایج تحقیقات قبلی

در فرضیه اول؛ تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیران بر صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت مورد آزمون قرار گرفت و نتایج آزمون فرضیه حاکی از معناداری متغیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیران در مدل بود. با توجه به اینکه متغیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیران متغیر اصلی در تأیید یا رد فرضیه می باشد؛ می توان ادعا نمود اعتماد به نفس بیش از حد مدیران بر صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت تأثیر دارد و از طرفی علامت ضریب متغیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیران در مدل مثبت بود؛ بنابراین می‌توان ادعا نمود که تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیران بر صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت مثبت یا مستقیم است، یعنی با افزایش اعتماد به نفس بیش از حد مدیران؛ احتمال صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت افزایش و با کاهش اعتماد به نفس بیش از حد مدیران احتمال صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت، کاهش می یابد.

سهام‌داران و سرمایه‌گذاران با اعتماد به صورت‌های مالی و گزارش حسابرسی، تصمیمات سرمایه‌گذاری بلندمدت خود را اخذ می‌کنند. از گذشته‌های دور حسابرسی به‌عنوان مکانیسمی در جهت کنترل مشکلات نمایندگی و تضاد منافع به کار گرفته شده است. اگر حسابرسی در طی بررسی‌های خود به شواهدی مبنی بر ناتوانی شرکت به تداوم فعالیت دست یابد، باید در گزارش حسابرسی این موضوع را شامل سازد. بررسی تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیریتی بر روی سیاست‌های شرکت از قبیل خط مشی و سیاست‌های حسابداری شرکت موضوع مهمی است؛ چرا که اعتماد به نفس بیش از حد می‌تواند منجر به تصمیماتی گردد که ارزش شرکت را از بین می‌برد و تداوم فعالیت شرکت‌ها با خطر ورشکستگی روبه‌رو کند. این نتیجه با نتیجه پژوهش کیم (۲۰۱۶) و کیم (۲۰۲۱) همسو بوده است. بنابراین به هیأت مدیره شرکت‌ها و سایر سرمایه‌گذاران نهادی پیشنهاد می‌شود که به منظور تقویت نظام مدیریتی خود و همچنین بهبود در گزارش‌های مالی خود به منظور کاهش در بندهای مربوط به تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی در انتخاب مدیرانی با اطمینان به نفس بالا احتیاط لازم را به عمل آورند.

در فرضیه دوم؛ تأثیر توانایی مدیریت بر صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت مورد آزمون قرار گرفت. نتایج آزمون فرضیه حاکی از معناداری متغیر توانایی مدیریت در مدل بود. با توجه به اینکه متغیر توانایی مدیریت متغیر اصلی در تأیید یا رد فرضیه می باشد، می توان ادعا نمود توانایی مدیریت بر صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت تأثیر دارد و از طرفی علامت ضریب متغیر توانایی مدیریت در مدل منفی بود؛ بنابراین می‌توان ادعا نمود تأثیر توانایی مدیریت بر صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت معکوس یا منفی است؛ یعنی با افزایش توانایی مدیریت احتمال صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت کاهش و با کاهش توانایی مدیریت احتمال صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت، افزایش می یابد. این نتیجه با نتیجه پژوهش کیم (۲۰۱۶) و کیم (۲۰۲۱) همسو بوده

است. بنابراین نتایج این پژوهش می‌تواند برای سرمایه‌گذاران نهادی و هیئت مدیره نیز مفید باشد و از آنجا که توانایی مدیریت بر کاهش بندهای تداوم فعالیت تأثیر معناداری داشته است، پیشنهاد می‌شود از مدیران توانمند در سازمان‌ها بهره گرفته شود.

در فرضیه سوم؛ تأثیر توانایی مدیریت بر رابطه بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیران و صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت مورد آزمون قرار گرفت. نتایج آزمون فرضیه حاکی از معناداری متغیر توانایی مدیریت و اعتماد به نفس بیش از حد مدیران و عدم معناداری متغیر حاصل ضرب اعتماد به نفس بیش از حد مدیران در توانایی مدیریت در مدل بود؛ با توجه به این که متغیرهای مذکور متغیرهای اصلی در تأیید یا رد فرضیه می‌باشد و عدم معناداری متغیر حاصل ضرب اعتماد به نفس بیش از حد مدیران در توانایی مدیریت؛ می‌توان ادعا نمود توانایی مدیریت بر رابطه بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیران و صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت تأثیر ندارد. این نتیجه با نتیجه پژوهش کیم (۲۰۲۱) همسو بوده است.

در فرضیه چهارم؛ تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیران بر چرخش حسابرس مورد آزمون قرار گرفت. نتایج آزمون فرضیه حاکی از معناداری متغیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیران در مدل بود با توجه به اینکه متغیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیران متغیر اصلی در تأیید یا رد فرضیه می‌باشد، می‌توان ادعا نمود اعتماد به نفس بیش از حد مدیران بر چرخش حسابرس تأثیر دارد از طرفی علامت ضریب متغیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیران در مدل مثبت بود، بنابراین می‌توان ادعا نمود که تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیران بر چرخش حسابرس مثبت یا مستقیم است، یعنی با افزایش اعتماد به نفس بیش از حد چرخش حسابرس افزایش و با کاهش اعتماد به نفس بیش از حد مدیران چرخش حسابرس، کاهش می‌یابد.

در فرضیه پنجم؛ تأثیر توانایی مدیریت بر چرخش حسابرس مورد آزمون قرار گرفت. نتایج آزمون فرضیه حاکی از معناداری متغیر توانایی مدیریت در مدل بود. با توجه به اینکه متغیر توانایی مدیریت متغیر اصلی در تأیید یا رد فرضیه می‌باشد؛ می‌توان ادعا نمود توانایی مدیریت بر چرخش حسابرس تأثیر دارد و از طرفی علامت ضریب متغیر توانایی مدیریت در مدل مثبت بود، بنابراین می‌توان ادعا نمود که تأثیر توانایی مدیریت بر چرخش حسابرس مثبت یا مستقیم است؛ یعنی با افزایش توانایی مدیریت، چرخش حسابرس افزایش و با کاهش توانایی مدیریت چرخش حسابرس، کاهش می‌یابد.

در فرضیه ششم؛ تأثیر توانایی مدیریت بر رابطه بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیران و چرخش حسابرس مورد آزمون قرار گرفت. نتایج آزمون فرضیه حاکی از معناداری متغیر توانایی مدیریت و اعتماد به نفس بیش از حد مدیران و حاصل ضرب اعتماد به نفس بیش از حد مدیران در توانایی مدیریت در مدل بود؛ با توجه به این که متغیرهای مذکور متغیرهای اصلی در تأیید یا رد فرضیه می‌باشد، می‌توان ادعا نمود توانایی مدیریت بر رابطه بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیران و چرخش حسابرس تأثیر دارد.

پیشنهادات برای استفاده‌کنندگان از تحقیق

پیشنهادات کاربردی

نتایج پژوهش بیانگر آن است که بین بیش اطمینانی مدیران و صدور گزارش حسابرسی حاوی بند تداوم فعالیت تأثیر معنادار و مثبت وجود دارد؛ بنابراین به هیئت مدیره شرکت‌ها و سایر سرمایه‌گذاران نهادی پیشنهاد می‌شود که به منظور تقویت نظام مدیریتی خود و همچنین بهبود در گزارش‌های مالی خود به منظور کاهش در بندهای مربوط به تداوم فعالیت در گزارش حسابرس در انتخاب مدیرانی با اطمینان به نفس بالا احتیاط لازم را به عمل آورند.

همچنین از آنجاکه توانایی مدیران بر کاهش بندهای تداوم فعالیت تأثیر معناداری داشته است، پیشنهاد می شود از مدیران توانمند در سازمان ها بهره گرفته شود؛ بنابراین نتایج این پژوهش از چند جنبه حائز اهمیت است؛ نخست اینکه ویژگی های مدیران از جمله بیش اطمینانی مدیران از آنجا که در تصمیمات مربوط به سرمایه گذاری تأثیر دارد، بر ارزش شرکت و در نتیجه تداوم فعالیت شرکت تأثیر مهمی دارد.

پیشنهادات برای پژوهش های آتی

- بررسی ویژگی های هیئت مدیره و معیارهای حاکمیت شرکتی بر تصمیمات تداوم فعالیت و چرخش حسابرس در شرکتها
- بررسی تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد و توانایی مدیریت بر نوع اظهارنظر حسابرس در شرکتها
- بررسی تأثیر کنترل های داخلی بر تصمیمات تداوم فعالیت و چرخش حسابرس در شرکتها

منابع

- ✓ ابراهیمی، سیدکاظم، احمدی مقدم، منصور، (۱۳۹۵)، تأثیر بیش اطمینانی مدیران بر مدیریت سود واقعی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، چشم انداز مدیریت مالی، شماره ۱۵، صص ۹-۲۳.
- ✓ امری اسرمی، فرشته، (۱۴۰۱)، اثر ویژگی های هیئت مدیره بر کیفیت حسابرسی با تأکید بر نقش تنوع جنسیتی، رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، دوره ۶، شماره ۲۰، صص ۲۶۸۰-۲۶۹۷.
- ✓ بدیعی، وحید، داودی کسبی، علی اصغر، (۱۳۹۶)، بررسی رابطه اعتماد به نفس بیش از حد مدیران و معیارهای ارزیابی عملکرد و ریسک مالی، اولین همایش حسابداری، مدیریت و اقتصاد با رویکرد پویایی اقتصاد ملی، ملایر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر.
- ✓ بزرگ اصل، موسی، صالح زاده، بیستون، (۱۳۹۴)، رابطه توانایی مدیریت و پایداری سود با تأکید بر اجزای تعهدی و جریان های نقدی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسی، دوره ۱۴، شماره ۵۸، صص ۱۵۳-۱۷۰.
- ✓ تفتیان، مجید، عرب صالحی، مهدی، حمیدیان، نرگس، (۱۴۰۱)، تأثیر مدیریت سود واقعی بر اظهارنظر حسابرسی پیرامون تداوم فعالیت در شرکت های در مانده مالی، پژوهش های حسابداری و حسابرسی، در حال انتشار.
- ✓ جمشیدی نوید، بابک، کنعانی، اکبر، حجازی، رضوان، قنبری، مهرداد، (۱۳۹۸)، بررسی ارتباط بین کارایی مدیریت و تغییر حسابرس با تأکید بر نقش عدم تقارن اطلاعاتی، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۳، صص ۲۳-۴۰.
- ✓ حساس یگانه، یحیی، جعفری، ولی اله، (۱۳۸۹)، بررسی تأثیر چرخش موسسات حسابرسی بر کیفیت گزارش حسابرس شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، فصلنامه بورس و اوراق بهادار، شماره ۹، صص ۴-۲۵.
- ✓ حاجیها، زهره، ابراهیمی، محمدرضا، (۱۳۹۵)، بهبود در اظهارنظر حسابرس و اثرات آن بر تغییرات قیمت و حجم معاملات سهام، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی (پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی)، دوره ۸، شماره ۳۰، صص ۶۱-۸۱.
- ✓ حسنی القار، مسعود، سدیدی، مهدی، (۱۳۹۶)، بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر حق الزحمه حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۶، شماره ۲۴، صص ۷۹-۹۴.

- ✓ حضرتی، سودا، امیری، فرهاد، لازمی، سعید، (۱۳۹۷)، بررسی تأثیر چرخش حسابرس مستقل بر آشفستگی مالی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمی.
- ✓ خواجهی، شکرالله، دهقانی سعدی، علی اصغر، روستا، منوچهر، (۱۳۹۷)، بررسی نقش تعدیل کنندگی خودشیفتگی مدیران در تبیین رابطه بین مسئولیت پذیری اجتماعی و عملکرد مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، دوره ۱، شماره ۳۹، صص ۵۷-۷۴.
- ✓ خوشکار، فرزین، هاشمی، علیرضا، رحیمی، علی، (۱۳۹۹)، تأثیر استقلال حسابرس بر رابطه بین چرخش موسسه حسابرسی و پایداری سود، فصلنامه چشم انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۳، شماره ۳۶، صص ۷۴-۸۶.
- ✓ داداشی، ایمان، عتیقی، امیر، (۱۴۰۰)، توانایی مدیران و گزارشگری مالی متقلبانه با تأکید بر نقش چرخش نزولی حسابرسان مستقل، مجله دانش حسابداری مالی، دوره ۸، شماره ۳، صص ۲۰۱-۲۲۷.
- ✓ رضایی، فرزین، فیروز عزیزاده، اکرم، نورمحمدی، الهام، (۱۳۹۹)، رابطه توانایی مدیریت با اجزاء مدیریت ریسک یکپارچه، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۲، شماره ۴۸، صص ۲۳-۴۲.
- ✓ سجادی، سید حسین، کاویانی، مریم، رشیدی باغی، محسن، صبرجو، جلال، (۱۳۹۶)، تأثیر چرخش حسابرس در سطح شریک و موسسه حسابرسی بر کیفیت حسابرسی، فصلنامه دانش حسابرسی، دوره ۱۷، شماره ۶۹، صص ۵۹-۸۰.
- ✓ شمس الدینی، کبری، بشیری منش، نازنین، وقفی، سیدحسام، (۱۴۰۱)، تأثیر خودشیفتگی مدیران بر عملکرد اجتماعی داخلی و خارجی با تأکید بر بیش اطمینانی، پژوهش های مالی و رفتاری در حسابداری، دوره ۲، شماره ۱، صص ۵۳-۷۲.
- ✓ صفی پور افشار، مجتبی، (۱۴۰۱)، بیش اطمینانی مدیریت، تامین مالی داخلی و بهره وری سرمایه گذاری، فصلنامه دانش حسابداری، دوره ۱۳، شماره ۱، صص ۱-۱۷.
- ✓ عباس زاده، محمدرضا، رستگارمقدم، علی، بیگی، بهزاد، (۱۳۹۳)، تأثیر اعتماد بیش از حد مدیریتی بر سیاست تقسیم سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، کنفرانس بین المللی حسابداری، اقتصاد و مدیریت مالی، تهران، شرکت دانش محور ارتاخه.
- ✓ علیمرادی، مهتری، عبدی، حدیث، (۱۳۹۹)، مطالعه تأثیر توانایی مدیریت بر رابطه بین بیش اطمینانی مدیران و صدور گزارش حسابرس حاوی بند تداوم فعالیت، فصلنامه علمی تخصصی رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، دوره ۱۴، شماره ۴، صص ۹۱-۱۰۹.
- ✓ کاظمی، حسین، نمک آورانی، مهتری، (۱۳۹۷)، تأثیر توانایی مدیریت بر مدیریت سود واقعی و مدیریت ریسک یکپارچه شرکت ها، مطالعات نوین کاربردی در مدیریت و اقتصاد، سال اول، صص ۵۱-۶۸.
- ✓ گرد، عزیز، ناصری، مونا، (۱۳۹۷)، مطالعه ارتباط بین تردید حرفه ای حسابرس، چرخش حسابرس و کیفیت حسابرسی شرکت ها، فصلنامه پژوهش حسابداری و حسابرسی، دوره ۸، شماره ۳، صص ۱۰۱-۱۲۳.
- ✓ نوروزی، محمد، مرادی، محمد، اصولیان، محمد (۱۳۹۳)، اظهار نظر حسابرسی مدیریت و مدیریت سود با تأکید بر ابهام در تداوم فعالیت، بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۱، شماره ۳، صص ۳۱۳-۳۲۸.
- ✓ هاشمی نیا، مرتضی، حیرانی، فروغ، (۱۳۹۹)، تأثیر چرخش اجباری حسابرس و اندازه موسسه حسابرسی بر کیفیت حسابرسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، کنفرانس حسابداری و مدیریت،

- ✓ هداوند میرزائی، زهرا، کیائی، علی، حاجیها، زهره، (۱۳۹۸)، رابطه خودشیفتگی مدیر عامل و حق الزحمه حسابرسی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران، چهارمین کنفرانس ملی در مدیریت، حسابداری و اقتصاد با تأکید بر بازاریابی تهران جهانی و منطقه ای، کنفرانس، دائمی دبیرخانه دانشگاه شهید بهشتی.
- ✓ Ardhani, Lutfi., Bambang Subroto., Bambang Hariadi (2019), "Does Auditor Independence Mediate the Relationship Between Auditor Rotation and Audit Quality?" ,Journal of Accounting and Business Education, 4 (1).
- ✓ Berry-Stölzle, T. R., Eastman, E. M. & Xu, J. (2018). "CEO Overconfidence and Earnings Management: Evidence from Property-Liability Insurers' Loss Reserves". North American Actuarial Journal, 22 (3), pp:380-404.
- ✓ Chambers D, Payne J. (2008) "Audit Quality and Accrual Reliability: Evidence from the Preand Post-Sarbanes-Oxley Periods". Working Paper; Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1136787>.
- ✓ Demerjian P., Lev B, McVay S. (2012). " Quantifying managerial ability: A new easure and validity tests". Management Science, Vol 58(7), pp: 1229–1248.
- ✓ Ji, G., & Lee, J. E. (2015). "Managerial Overconfidence And Going-Concern Modified Audit Opinion Decisions", The Journal of Applied Business Research – November/December 2015 Volume 31, Number 6.
- ✓ Kim, Mindy (Hyo Jung) (2021) , "Effects of managerial overconfidence and ability on going-concern decisions and auditor turnover", Advances in Accounting, 54 , 100549.
- ✓ Silvestre, Adalene Olivia., Cristiano Machado Costa., Clóvis Antônio Kronbauer (2019) , "Audit Rotation And Earnings Quality: An Analysis Using Discretionary Accruals", Brazilian Business Review 15(5), pp:410-426.
- ✓ Titman, S. and B. Trueman. (1986). "Do Earnings Management and Audit Quality Influence Over-Investment by Chinese Companies"?,International Journal of Economics and Finance. Vol. 4, No. 2; February (2012).
- ✓ Titman S, Trueman B. (1986). " Information quality and the valuation of new issues". Journal of Accounting & Economics , 8: 159621.
- ✓ Yutao, L., and L. Yan. (2017). "The Contextual Nature of the Association Between Managerial Ability and Audit Fees". Review of Accounting and Finance, Vol. 16, No. 1, pp:2-20.
- ✓ Yajun. Zhang., Shan. Lio., Jing. Tan., Guoyan. Jiang.,Qing. Zhu., (2018), "Effect of Risk on the Performance of Business Prosess outsorching Project: The Moderating Roles of Knowledge Management Capability", International Journal of Project Management, Volume 36, Issue 4, May 2018, pp: 627-639.